

تجربه توسعه در ترکیه، نزاع یا اتفاق اسلام‌گرایان و سکولارها

امین نواختی مقدم^۱

احمد فاضل زاده^۲

چکیده

کشورهای درحال توسعه دریافته‌اند که طراحی فرایندی مناسب برای تدوین مسیر پیشرفت با بهره‌گیری از الگویی موفق اهمیت بسیاری دارد، شناخت کارکرد انواع مدل‌ها و اینکه کدام مدل با اهداف مدنظر سازگارتر است، به انتخاب الگویی مطلوب کمک می‌کند. بدین منظور ترکیه را باید رقیبی قابل احترام برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌شمار آورد. کشوری که در همسایگی ما و داعیه‌دار مرکزیت تمدن نوین اسلامی است، ترکیه شناسی را در اولویت مطالعات منطقه‌ای و نیز مباحث تمدنی قرار می‌دهد. برای فهم بهتر مبانی الگوی توسعه ترکیه، بررسی دیدگاه‌های جریان‌های فکری-سیاسی اصلی را می‌توان به عنوان مدخل جریان‌شناسی ترکیه بررسی کرد. جریان‌هایی که پس از صد سال آرایش آنها تغییر نکرده و تحت عناوین غرب‌گرایی، اسلام‌گرایی و ملی‌گرایی دسته‌بندی می‌شوند که از عثمانی به ترکیه رسیده‌اند. از سویی، باید ترکیب پیچیده چهار مؤلفه اندیشه-ای، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را مدنظر داشت: به لحاظ اندیشه‌ای، پذیرش حاکمیتی سکولار توسط ملتی مسلمان، به لحاظ سیاسی، عبور از نظام تک‌حزبی و رسیدن به نظام چندحزبی و توجه به مؤلفه‌های دموکراسی، به لحاظ اقتصادی، واگذاری بخش بزرگی از اقتصاد به سرمایه‌گذاران خصوصی، به لحاظ فرهنگی، نیل به توسعه انسانی و اهمیت یافتن فرهنگ کار و تولید. این پژوهش را با این فرضیه که الگوی اسلامی-سکولار-ملی‌گرای ترکیه، مدلی تمرین شده در توسعه کشوری اسلامی می‌باشد و بخش‌های زیادی از فرایند توسعه ترکیه می‌تواند در سایر کشورهای منطقه استفاده شود، بررسی کرده و پس از مرور مباحث پراهمیت روند توسعه در وضعیت‌شناسی الگوی این کشور و نسبت‌سنجی آن با شرایط وضعی ایران می‌پردازیم.

واژه های کلیدی: ترکیه، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، توسعه‌ی اقتصادی، اقتصاد سیاسی ترکیه، الگوی اقتصادی،

سکولاریسم، مدرنیته، اسلام‌گرایان

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه محقق اردبیلی، navakhti@yahoo.com، تلفن: ۰۹۳۳۷۰۸۲۵۷۰

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه محقق اردبیلی، a.fazel.987@gmail.com

مقدمه:

تئوری‌های توسعه از دهه ۱۹۵۰، جایگاه قابل توجهی در نظریات علوم سیاسی به دست آورده‌اند که این اعتبار و جایگاه مرهون تحولات و ضرورت‌های بین‌المللی بوده است. تحولات سیاسی و اقتصادی در جهان سوم به‌گونه‌ای بی‌وقفه تداوم یافته و ضرورت تغییرات ساختاری در کشورهای نوظهور را اجتناب ناپذیر نموده است. در چنین شرایطی، حوزه سیاست تطبیقی از تحرک ویژه‌ای برخوردار شده و نظریات ارائه شده در این حوزه مبتنی بر سازوکارهای اداره جامعه و همچنین گذار جوامع سنتی به مدرن مبتنی شده است (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۱). طی سال‌های گذشته، اقتصاددانان مکاتب مختلف توسعه اقتصادی، نظرات گسترده‌ای را در ارتباط با جایگاه اقتصادی دولت و نقش آن در راهبردهای توسعه ارائه نموده‌اند. این نظرات متناسب با شرایط حاکم در هر دوران تغییراتی داشته و دامنه وسیعی از نقش‌ها همچون: «پذیرش نقش فعال» برای دولت تا نظریه‌های «دولت‌شر» و در نهایت تعریف جدید نقش دولت به‌عنوان «نهادی مکمل در کنار بخش خصوصی» را شامل می‌شود. به عبارتی در دیدگاه جدید که مورد قبول بسیاری از کشورها می‌باشد، مدارج توسعه بالاتر در حالی قابل دسترسی است که در کنار دولت توسعه‌گرا، برای برخورداری از یک بخش خصوصی قدرتمند سیاست‌گذاری شود (حسنی و شفیعی، ۱۳۸۶: ۱۳۲). برنامه‌ریزی در مقیاس گسترده و فراگیر نخستین بار پس از انقلاب سوسیالیستی در سال ۱۹۱۷ در شوروی آغاز شد و شکل نهایی آن تا سال ۱۹۲۸ به طول انجامید، تجربه شوروی و پاره‌ای توفیقات که به دست آورده بود از سوی کشورهای در حال توسعه الگو برداری شد (توفیق، ۱۳۸۳: ۱۲).

در میان کشورهای در حال توسعه‌ی خاورمیانه، ترکیه یک استثنای تمام‌عیار است. این کشور به‌لحاظ جغرافیایی و تمدنی شرقی است اما به‌لحاظ مناسبات سیاسی و اقتصادی، فنی و فرهنگی، غربی است. تردیدی نیست که این کشور در ادوار اخیر تحولات قابل ملاحظه‌ای را در رشد و توسعه اقتصادی تجربه کرده است. قرائین و شواهد نشان می‌دهند که رشد و توسعه اقتصادی در این کشور ناشی از دلایل وزمینه‌هایی فکری و تاریخی، مذهبی و فرهنگی است (محمدی و تقی نژاد، ۱۳۹۳)، گفته می‌شود که نظام سیاسی ترکیه از درون خلافت اسلامی بیرون آمد و رنگ لعاب سکولار به خود گرفت. اینکه این کشور بخشی از هویت و موجودیت خود را مرهون نظام خلافت و بخشی دیگر را مرهون آموزه‌های سکولاریسم بوده است، خود متضمن توجه بیشتر به ساختار سیاسی و اندیشه‌ای ترکیه از بدو موجودیت این کشور و بالاخص قرن اخیر است (اعتمادی نیا و عین افشار، ۱۳۹۴).

در طی سال ۱۹۲۰ دولت مرکزی امپراطوری بتدریج نظارت خود بر آناتولی را نیز از دست داد. در اول نوامبر سال ۱۹۲۲ حکومت آنکارا سلطان را خلع کرد و به این ترتیب عمر حکومت سیاسی ۶۲۳ ساله خاندان عثمانی به سرآمد ولی پسر عموی خلیفه (محمد ششم) بنام عبدالمجید بعنوان خلیفه روحانی باقی ماند و در سال ۱۹۲۴ این منصب هم از بین رفت (اسپنسر، ۱۳۴۲). معاهده لوزان که در سال ۱۹۲۳ منعقد گشت حدود ترکیه را مشخص و تضمین کرد. در ماه اکتبر سال ۱۹۲۳ حکومت جمهوری به ریاست مصطفی کمال‌پاشا (آتاترک پدر ملت ترک) رسماً اعلام گردید. در سال ۱۹۲۴ قانون اساسی جدیدی وضع گردید و از آن پس آتاترک شروع به حکومت کرد. حزب خلق تنها حزب قانونی براساس قانون اساسی بود. در مدت چهارده سال حکومت آتاترک، تغییرات و اصلاحاتی در ترکیه صورت گرفت. در مدت چهارده سال حکومت سیاست ضد دینی خود را شدیدتر کرد و مناصب دینی را از بین برد و مقرراتی در مورد مدل لباس ترکان بوجود آورد. از سال ۱۹۲۶ قانون مدنی سوئیس، قانون جزای ایتالیا و قانون بازرگانی آلمان در ترکیه اجرا شد. در سال ۱۹۲۸ با تفکیک دین از سیاست، رسمیت دین اسلام لغو و الفبای لاتین بجای الفبای عربی رسمیت یافت. در سال ۱۹۳۴ زنان حق رای و آزادی یافتند. در سیاست خارجی، ترکیه راه دوستی با همسایگانش را در پیش گرفت و همچنین در پیمان‌هایی وارد شد (صفیر، ۱۳۹۰).

برنامه ۵ ساله ترکیه در سال ۱۹۳۴ آغاز شد که چیزی جز فهرستی از پروژه‌های مورد نظر نبود اما به هر حال در زمینه زیر ساخت‌ها، معدن و صنعت راهنمای مناسبی بود. در دهه ۱۹۵۰ حزب دموکرات که قدرت را به دست گرفت نظام برنامه‌ریزی متمرکز را کنار نهاد اما پس از کودتای ۱۹۶۰ و تدوین قانون اساسی ۱۹۶۱ بار دیگر نظام برنامه‌ریزی

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

اقتصادی-اجتماعی جزو وظایف دولت گردید و در همین سال «سازمان دولتی برنامه‌ریزی» تأسیس شد که وظیفه آن تهیه برنامه‌های دراز مدت و میان‌مدت و نظارت بر اجرای آنها بود. اهداف برنامه‌های سازمان برنامه‌ریزی برای بخش عمومی الزامی و برای بخش خصوصی ارشادی بود. (دهقانی، ۱۳۹۳)

از زمان روی کار آمدن حزب مام‌میهن به رهبری تورگوت اوزال، ترکیه وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود شد و علی‌رغم فراز و نشیب‌ها توانست با سرعت در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد، سیاست و فرهنگ پیشرفت نماید. در دهه ۱۹۸۰ اصلاحات عصر تورگوت اوزال انجام شد و به افزایش اعتماد بین ارتش و سیاستمداران انجامید و در دهه ۱۹۹۰ به موازات افزایش اعتماد بین ارتش و سیاسیون، انگاره‌های ایدئولوژیک رنگ باختند و کارآمدی جای ایدئولوژی را گرفت. این تحول باعث شد سه حزب سیاسی عمده ترکیه یعنی مام‌میهن، راه راست و جمهوریخواه خلق، به تدریج از قالب‌های پیشین در آیند و مبنای کار خود را نه جدال فکری بلکه کارکردگرایی قرار دهند. (محمدی، ۲۰۱۳:۲). در سال ۲۰۰۳ حزب عدالت و توسعه توانست اکثریت لازم را به دست آورد و بعد از سال‌ها دولت بدون ائتلاف تشکیل گردید. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیر رشد و توسعه ترکیه شتاب بیشتری گرفت و توانست در این سال‌ها در اقتصاد جهان جایگاه ممتازتری پیدا کند. حزب عدالت و توسعه یک دوره اولیه موفقیت داشت که شامل یک سیاست خارجی آگاهانه و مؤثر و نیز برنامه اقتصادی مستحکمی بود که ترکیه را از بحران اقتصادی ۲۰۰۱ نجات داد (Lancaster, 2014: 1678-1680).

اسلام پس از عصر خلافت در ترکیه بیش از آنکه ایدئولوژی و نشانه تشخیص در برابر ایرانیان، غربی‌ها یا عرب‌ها باشد، پدیده‌ای فرهنگی و آئینی بود. به همین علت به جای وارد شدن به مبارزه سیاسی به «ترویج و تبلیغ» گرایش یافت. در این تبلیغ و ترویج همواره یک اصل ملحوظ و محفوظ ماند که همانا تضمین دادن پیوسته در این باره بود که مسلمانان در پی تغییر نظام سیاسی ترکیه نیستند، بلکه در پی ترویج معنویت و درستکاری‌اند و کارآمدی را بر ایدئولوژی ارجح می‌دانند. تحولات دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ در ترکیه، زمینه را برای ورود اسلامگرایان به صحنه سیاسی، هموارتر کرد. در دهه ۱۹۷۰ نظامیان آخرین تلاش‌ها را برای تحکیم قدرت خود به کار بستند. انحلال حزب رفاه به معنای پایان فعالیت اسلامگراها نبود، بلکه طبق معمول و سنت متداول در ترکیه، اگر حزبی منحل شود جای آن را با همان محتوا و فقط با تغییر اسلم، حزب دیگری پر میکنند به همین ترتیب، چون حزب رفاه زیر فشار ارتش منحل شد، بیدرنگ جای آن را حزب فضیلت پر کرد، اما دیری نگذشت که حزب فضیلت نیز به سرنوشت حزب رفاه حمایت با ارزش‌های لائیسزم و مبادی کمالیسم مواجهه و منحل شد (نورالدین و عبدالرضا همدانی، ۱۳۸۳:۱۴۵).

باید یادآور شد که از سال ۱۹۶۱ تا سال ۲۰۰۷ سازمان ریزی ترکیه اقدام به تهیه نه برنامه پنج ساله کرد. در برنامه هشتم (۲۰۰۱-۲۰۰۵) علاوه بر برنامه میان مدت، برنامه ای استراتژیک حاوی چشم انداز بیست ساله برای افق ۲۰۲۳ که مصادف با یکصدمین سال تأسیس جمهوری ترکیه است را ارائه داد که برنامه نهم (۲۰۲۳-۲۰۰۷) را پوشش می‌داد، برنامه نهم در واقع مبین سازوکار مقدمات چشم انداز ۲۰۲۳ بود.

افق ترکیه در چشم انداز ۲۰۲۳:

ترکیه در سال ۲۰۲۳ چنین کشوری خواهد بود: «یکی از ده اقتصاد برتر جهان، دارای تولید ناخالص داخلی حدود ۲ هزار میلیارد دلاری، دارای جمعیت ۸۲ میلیونی، دارای صادرات ۵۰۰ میلیارد دلاری، دارای نرخ تورم و نرخ بهره ی تک رقمی

وظایف استراتژیک ترکیه در سال ۲۰۲۳:

رسیدن به بالاترین سطح دموکراسی عقیدتی و ارزشی، اقتصاد رقابتی و دانش محور، سیاست خارجی پیشرو و نوآور، تجدید حیات فرهنگی متناسب با تاریخ قدیمی خود، ایفای نقش اتصال میان شرق و غرب و یکپارچگی بیشتر با سیستم جهانی

اهداف و استراتژی های چشم انداز ۲۰۲۳:

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

برنامه چشم انداز ترکیه موسوم به برنامه چشم انداز استراتژیک ترکیه ۲۰۲۳ شامل ۶ هدف آرمانی است که هریک از اهداف آرمانی، خود دربردارنده چندین هدف استراتژیک است. اهداف آرمانی چشم انداز ۲۰۲۳ عبارتند از:

هدف آرمانی ۱: نوسازی دولت و حکمرانی خوب و صلح داخلی

هدف آرمانی ۲: افزایش توان رقابتی بین المللی و ایجاد فرصت‌های شغلی

هدف آرمانی ۳: سرمایه‌گذاری در توسعه‌ی ظرفیت انسانی

هدف آرمانی ۴: توسعه‌ی اجتماعی عادلانه

هدف آرمانی ۵: ارائه‌ی خدمات با کیفیت بالای عمومی

هدف آرمانی ۶: تنظیم روابط خارجی - امنیتی (دهقانی، ۱۳۹۳: ۱).

پس از مقدمه فوق به بررسی روند تاریخی-سنتی آمیخته با مذهب-فرهنگ خاص ترکیه در توسعه و مشابهت‌های امکانی و تباینات موجود در فرآیند توسعه در ایران را مرور کنیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که آیا الگوی توسعه ترکیه را می‌توان در جهان اسلام به‌عنوان الگویی کلان و فراگیر بکار گرفت و آنرا به‌عنوان الگویی بدیل در تقابل با الگوی فراگیر و جهان‌گستر غرب تلقی کرد؟

پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است. با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه، برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده و تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز به‌طور عمده با شیوه تحلیل کیفی انجام گرفته است.

ویژگی‌های جامعه شناختی ترکیه

الف) جغرافیای سیاسی، طبیعی و انسانی ترکیه

ترکیه در غرب آسیا و جنوب شرقی اروپا قرار دارد. حدود ۹۵ درصد از این کشور در قاره‌ی آسیا و پنج درصد آن در قاره‌ی اروپا واقع شده است. بخش آسیایی ترکیه به آناتولی و آسیای صغیر و بخش اروپایی به تراس شرقی شهرت دارد این دو بخش به‌وسیله‌ی دریای مرمره و تنگه‌ی داردانل از یکدیگر جدا شده‌اند. این کشور با ۷۸۳۵۶۲ کیلومترمربع مساحت، سی و ششمین کشور جهان محسوب می‌شود. ترکیه به ۷۴ استان و ۸۲۹ شهر تقسیم می‌شود. پایتخت ترکیه شهر آنکارا است و از شهرهای مهم آن می‌توان از استانبول، ازمیر، آدانا، بوسرا، ارزروم، قونیه، آنتالیا، شانلی اورفان وان، آغری، ادرانه و موغلا نام برد. استانبول و تکیرداغ در ترکیه اروپایی و زنگولداک، سینیوا و طرابوزان در ترکیه آسیایی از بندرهای مهم ترکیه محسوب می‌شوند. بندرهای باند یوما در ساحلی دریای سیاه، مرسین و آلانیا و انطاکیه در ساحل دریای مرمره، ازمیر در ساحل دریای مدیترانه و ایروالی که در ساحل دریای اژه از دیگر بندرهای ترکیه هستند (صفری، ۱۳۹۰: ۱۸). ترکیه، درکل، یک کشور جوان محسوب می‌شود، زیرا پس از استقلال ترکیه در سال ۱۹۲۳ به‌خاطر ملاحظات سیاسی آن زمان، مقامات به‌دنبال روش‌هایی بودند تا جمعیت کشور را افزایش دهند، بر اساس آمار سال ۲۰۰۰ جمعیت ترکیه ۶۶ میلیون نفر بود و از نظر جمعیت در رده هفدهم جهان قرار می‌گرفت. از کل جمعیت ترکیه ۵۱ درصد مرد و ۴۹ درصد زن هستند در این کشور ۹۱ درصد مردان و ۷۲ درصد زنان باسوادند (وبسایت خبرآنلاین، ۱۳۹۶). جمعیت ترکیه رو به افزایش است و بنا به‌نظر سازمان بهداشت جهانی، متوسط عمر زنان ترکیه ۷۳ سال و مردان ۶۷ سال است (فاخری، ۱۳۹۵).

ج) نظام سیاسی و حکومتی ترکیه

قانون اساسی ترکیه (مصوب ۱۹۸۲)، بر وجود یک نهاد قانونگذاری ملی تک مجلسی که با رای مردم برگزیده می‌شود و دارای قدرت مطلق قانون گذاری است، یک نخست وزیر و کابینه وی که در برابر مجلس ملی پاسخگو هستند و یک دادگاه قانون اساسی با دارا بودن قدرت بازنگری قضایی، صحه گذاشته است (صفری، ۱۳۹۰: ۶۸).

هفتمین کنگره اس‌کوی اسلامی ایرانی؛ شرف؛ از اس‌کوی پایه به سوی اس‌کوی اسلامی ایرانی؛ شرف؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

رئیس جمهور که از طرف مجلس ملی برای دوره هفت ساله تجدیدنظیری انتخاب می شود، قوه مجریه را تعیین می کند. رئیس جمهور رئیس هیئت دولت است و شورای مشورتی دولتی، با سی عضو، به وی مشورت می دهد. در ساختار سیاسی ترکیه، ارتش حافظ اصول کمالیسم، به ویژه اصل لائیسیتته (جدایی دین از سیاست) است. از جمله وظایف رئیس جمهور می توان به تعیین اعضای عالی رتبه‌ی قوه‌ی قضائیه و تعیین رئیس بانک مرکزی و تعیین سرپرست رادیو و تلویزیون دولتی اشاره کرد. رئیس‌جمهور در انحلال مجلس، اعمال کنترل شدید بر اتحادیه‌های کارگری و تجاری و مطبوعاتی و احزاب سیاسی و نیز اعلام حالت فوق العاده اجازه دارد. از ابتدای تأسیس جمهوریت تا کنون یازده رئیس‌جمهور از احزاب گوناگون بر ترکیه حکومت کرده‌اند. به دلیل ناپایداری‌های سیاسی و مشکلات داخلی ناشی از درگیری‌های حزبی و نابسامانی‌های اقتصادی در طول ۸۰ سال گذشته ۵۳ دولت که بیشتر آن‌ها به صورت ائتلافی تشکیل شدند.

ارتش از طریق شورای امنیت ملی که از نخست وزیر، فرمانده ستاد ارتش، وزیران ملی، کشور و امور خارجه و فرماندهان نیروهای مسلح و ژاندارمری تشکیل یافته، بر امور و مسائل دولتی نفوذ دارد. این نهاد، سیاست امنیت ملی را تأمین می کند. طیف گسترده‌ای از حزب‌های سیاسی نیز در ترکیه فعال هستند. در حقیقت استقرار "نظام ریاستی" در ترکیه مطالبه‌ی جریان اسلام‌گرایی در ترکیه بوده است که از سال‌ها پیش توسط رهبران اسلام‌گرای ترکیه تعقیب می شده است (صادقی، ۱۳۷۶).

مرحوم نجم الدین اربکان که بنیان گذار اصلی حرکت سیاسی اسلامی در دوران معاصر در ترکیه به شمار می رود در همان سالهای اولیه فعالیت سیاسی و حزبی خود بر دو موضوع فراندوم عمومی و انتخاب مستقیم رئیس جمهور ترکیه توسط مردم تأکید می کرد. وی در مقاله ای تحت عنوان "چرایی رای مردم" که در سال ۱۹۷۳ میلادی در روزنامه اسلام‌گرای "ملی‌گازته" منتشر کرده است لزوم گذار به سیستم ریاستی در ترکیه را مطرح می کند. او خواهان نظامی شبیه به سیستم حقوقی آمریکا و فرانسه می شود و اعتقاد دارد که نظام سیاسی ریاستی موجب ارتقای ظرفیت مادی و معنوی ملت گردیده و همه عوامل ضد دموکراتیک را در حکومت از بین خواهد برد.

ازلحاظ گرایش‌ها و دسته‌بندی‌های فکری-سیاسی معمولاً در ترکیه، یک دسته‌بندی کلی وجود دارد. بردار گرایش‌های فکری و سیاسی کشور، یک بخش چپ و یک بخش راست می‌شود. چپ‌گرایی در ترکیه یک سنت فکری قوی است که بر الگوهای توسعه کشور اثر قاطع خودش را گذاشته است. مثلاً آن تفکری که حزب جمهوریخواه خلق مطرح می‌کند و نشریه‌ای مثل روزنامه‌ی «جمهوریت» نماینده‌اش هست، گرایش‌های سوسیالیستی چپ دارند و تحت تأثیر گرایش‌های چپ متعادل هستند (نه به معنای چپ مارکسیستی ارتودوکسی که در شوروی سابق بود) اینها گرایش‌هایشان خیلی با همان عدالت و برابری نزدیک‌تر است و خیلی مواقع هم حکومت‌داری کرده‌اند. چون چپ هستند از دل این جریان، بازگشت به فضای مخالفت با لیبرالیسم غربی درمی‌آید که در نتیجه به نوعی بازگشت به عثمانی‌گری دارند و لذا اجباراً به اسلام‌گرایی پیدا می‌کنند. در مقابل آن، گرایش‌های راست هستند که نمایندگان آن حزب راه راست را تشکیل دادند. آنها گرایش‌های سکولاری داشتند اما در عین حال به دلیل اینکه ملی‌گرا هستند، نهایتاً به میراث عثمانی و اسلام برمی‌گردند. پس یک تقسیم بندی دیگری داریم که به شدت موضوعیت یافته که تقسیم به «سنتی و مدرن» یا به قول خودشان تقابل اصول محافظه کاری و مدرنیسم است که به نظر جدی تر است و باید برای ترکیه، این دسته بندی را مبنا قرار بدهیم.

ظهور آتاترک

در پی فروپاشی امپراتوری عثمانی و بروز خلأ قدرت در ترکیه، رقابت جریان‌های سیاسی و فکری بر سر تعیین خط مشی‌های حکومت آینده شدت گرفت. در آستانه‌ی تشکیل جمهوری ترکیه، مطبوعات این کشور به صحنه‌ی مجادلات تند قلمی میان هواداران غربی‌گرایی - ملی‌گرایی و اسلام‌گرایان بدل شده بودند. در اواخر جنگ جهانی اول، ترکیه مورد هجوم فرانسه و ایتالیا از جنوب و یونان از شرق بود. آتاترک رهبری جنگ استقلال ترکیه را برعهده داشت.

هفتمین کنگره اسلیمی اسلامی ایرانی؛ شرف؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

در پایان جنگ جهانی اول، مردم ترکیه از بی‌کفایتی خلیفه محمد ششم و نظام عثمانی به تنگ آمده بودند و آتاترک رهبری خیزش علیه خلافت و امپراتوری عثمانی را برعهده گرفت. در سال ۱۹۲۳ ترکیه مدرن با نظام جمهوری توسط ملی‌گرایان و گروه‌های مبارزه علیه اشغال برپا شد (وبسایت برترین‌ها، ۱۳۹۶).

برپایی جمهوری ترکیه در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ نقطه‌ی پایانی بر این مجادلات بود. درحالی که محمد عاکف در سخنرانی خود در شهر قسطنطنیه در دسامبر ۱۹۲۰ گفته بود: «پیشرفت مسلمین درگروی تمسک به اسلام است.» پنج سال بعد، در اوت ۱۹۲۵، کمال آتاترک در همین شهر اعلام کرد که هدف نظام جمهوری، همانا تبدیل تمام کمال جامعه‌ی ترکیه به یک جامعه‌ی «متمدن» است، در دوران حکومت کمالیست‌ها، تلاش برای مبارزه با مذهب و به کنترل درآوردن آن تحت اصول لائسیسته دنبال می‌شد (Keyman, ۲۰۰۷: ۲۱۶). آتاترک خواستار آن شد که مردم ترکیه حتی در پوشش نیز به جوامع «متمدن» تاسی کنند و به جای دستار و سرپوش‌های سنتی، کلاه شاپو بر سر گذارند (وبسایت برترین‌ها، ۱۳۹۶).

چندی بعد روزنامه‌ی جمهوری نوشت: «اکنون از بالا تا به پایین، از فرق سر تا نوک پا، متمدن هستیم...» از روز ۲۹ اکتبر سالروز تأسیس جمهوری ترکیه یک نفر هم در شهر قسطنطنیه کلاه سنتی به سر نمی‌گذازد و تمام مردم بلااستثنا از کلاه فرنگی استفاده می‌کنند. «برای دولتمردان و نخبگان لائیک، «تمدن» مترادف با «غرب» بود که ترکیه میبایست با تعقیب خط سیر تحولات تاریخی در جوامع غربی بدان دست می‌یافت. دیالکتیک تاریخی بین دولت ترک و مبانی اسلامی آن، خود را در دیدگاه‌های حزبی از سوی نخبگان دولتی سکولار نشان می‌دهد (Begle, ۲۰۰۴: ۵)، چنین بود که بنیان ترکیه نوین بر این قرائت کلاسیک از فرآیند نوسازی نهاده شد. رژیم کمالیستی، تحت رهبری کمال آتاترک، تمام تلاش خود را مصروف پیاده کردن این الگو کرد و در این راه حتی از سرکوب و کشتار ابایی نداشت (پل رو، ۱۳۵۲: ۲۱۳ - ۲۱۷)، ترکیه‌ی کمالیستی به باور سرهمیلتون گیب، خاورشناس، عملاً به «یک گورستان پوزیتیویستی» بدل شده بود (آتام و مهدوی، ۱۳۹۳).

میلیتاریسم؛ سنتز ترکی

ارتش ترکیه از سال ۱۹۶۰ چهار دولت این کشور را ساقط یا مجبور به استعفا کرده است. اولین کودتا در ۲۷ ماه مه سال ۱۹۶۰ روی داد و ارتش ترکیه، دولت منتخب این کشور را برکنار کرد. در مرحله‌ی دیگر بازهم ارتش ترکیه با انجام کودتا در سپتامبر ۱۹۸۰ رأساً حکومت را به دست گرفت. سران ارتش به منظور اعاده‌ی انسجام و وفاق اجتماعی، تصمیم به بازنگری در ایدئولوژی رسمی - یعنی کمالیسم - گرفتند. اتخاذ سیاست فرهنگی‌ای تحت عنوان «سنتز ترکی - اسلامی» حاصل این تصمیم بود. نظریه پردازان این سیاست که از چهره‌های دانشگاهی ملی‌گرا مانند ابراهیم قفس اوغلو و محرم ارگین بودند، یک دهه پیش‌تر و در واکنش به نفوذ روزافزون اندیشه‌های چپ در میان جوانان ترکیه، دست به تدوین آن زده بودند.

هدف از نظریه‌ی سنتز ترک - اسلام همانا «بسط فرهنگ ملی، آگاهی ملی و ملی‌گرایی ترک» اعلام شد. واضعان نظریه‌ی سنتز ترک - اسلام با رد تکاپوهای غرب‌گرایانه در تاریخ معاصر ترکیه، خواستار احیای فرهنگ ملی بودند، فرهنگی که به باور آنها دو عنصر اصلی آن، نخست هویت قومی ترک و سپس دین اسلام بود. نظریه‌ی سنتز ترک - اسلام از یکسو با تأکید بر قومیت ترک و از سوی دیگر با برجسته کردن جایگاه ترکان در تمدن اسلامی در واقع میکوشید گفتمان مشترکی برای ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان فراهم آورد و آنها را در برابر تهدید چپ متحد سازد. سنتز ترک - اسلام با استقبال محافل ملی‌گرا روبه‌رو شد اما این نظریه برای اسلام‌گرایانی چون نجم‌الدین اربکان که به اولویت هویت اسلامی بر هویت قومی معتقد بودند، چندان قابل پذیرش نبود. ازین رو حکومت‌ها همواره به دلیل حفظ توازن خدشه‌ناپذیر نیروها با اخلال مواجه بوده‌اند (Begle, ۲۰۰۴: ۵)، با این وجود، رسمیت یافتن نظریه‌ی سنتز ترک - اسلام از سوی حکومت نظامیان را می‌توان به منزله‌ی پایان سلطه‌ی قرائت کمالیستی نوسازی (مدرنیسم

هفتمین کنگره اس‌کوی اسلامی ایرانی؛ شرف؛ از اس‌کوی پایه به سوی اس‌کوی اسلامی ایرانی؛ شرف؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

کلاسیک) قلمداد کرد، سلطه ای که دیگر جنبه های آن نیز طی سالهای بعد با چالش های جدی روبه رو شد، اگر بخواهیم تعریفی ساده در این رابطه ارائه دهیم باید گفت که دسته ای که به سنتز ترک - اسلام معتقد هستند، ضمن رعایت مبانی لائیسزم اشاعه گر ملی گرایی به اضافه هویت مذهبی ترکان می باشند (محقق زارع خورمیزی، ۱۳۸۱).

از استاد تا شاگرد؛ اربکان تا اردوغان

اربکان با انتقاد از سلطه ی غرب بر شئون ترکیه، ریشه ی آن را در واکنش دولتمردان و نخبگان امپراتوری عثمانی و جمهوری ترکیه به نفوذ اروپاییان از طریق تقلید کورکورانه از مغرب زمین می دانست: «اروپا ما را به تقلید کورکورانه و چشم و گوش بسته رهنمون کرد و سپس وادارمان ساخت شخصیت و شرافت خود را وانهیم. باید بگوییم که اروپا در این امر موفق بود، چراکه از افرادی در داخل برای تحقق این هدف استفاده کرد.» اربکان، در مقام نخست وزیری، کوشید سیاست نگاه به شرق را جایگزین سیاست نگاه به غرب ترکیه کند (سیاری، ۱۳۷۶).

بحث آزادسازی اقتصادی و برداشته شدن انحصارات دولت به تدریج باعث شد قشری از بازرگانان و صنعتگران متوسط با دیدگاه نسبتاً مذهبی، در قالب انجمن های صنعتی و تجاری، در آناتولی شرقی و مرکزی گردهم آیند. این قشر به سرمایه گذاری در بخش های کمتر توسعه یافته ی شرقی شروع کرد و دولت هم شرایط و بسترهای قانونی را برایشان فراهم کرد. پس از آن، طولی نکشید که این تجار و صنعتگران متوسط که در قالب انجمن هایی چون «انجمن تجار و صنعتگران ترکیه» گرد هم آمده بودند، در شهرهای گوناگون ترکیه از جمله استانبول فعالیت خود را آغاز کردند. اینها که موسوم به «ببرهای آناتولی» بودند، به دلیل تعلقات مذهبی شان به فعالیت و یا حمایت از حزب «رفاه» و اکنون حزب «عدالت، و توسعه» پرداختند، پروبال گرفتن ببرهای آناتولی مسبوق به تجربه ناکامی دولتهای پیشین هم بود. مثلاً در جریان ورشکستگی عظیم اقتصادی و فروپاشی دولت بولنت اجویت در سال ۱۹۹۰ که خود آمریکایی ها باعث آن شدند، شوکی به مردم ترکیه وارد شد و آنها با خود گفتند که چقدر بد است این گونه وابسته به غرب باشند و به قول خودشان کشورشان کشتزار آمریکا باشد! این مشکلات اقتصادی به شدت مردم را آزار میداد (وبسایت دیپلماسی ایرانی، ۱۳۸۶). بنابراین یکی از مهمترین حامیان حزب عدالت و توسعه، همین گروه تجار مسلمانی بود که بر اثر پشتکاری که داشتند و نیز به دلیل آنکه به لحاظ اخلاقی عموماً انسانهای درستی بودند، ثروتی جمع کردند و چون به جای غرب، کشورهای اسلامی برایشان اهمیت داشت، سرمایه شان به طرف کشورهای اسلامی مجاور مانند ایران، سوریه، عراق، آفریقای مسلمان و... سرازیر شد (جوشقانی، ۱۳۹۴).

بنابراین از سال ۱۹۹۰ به بعد به تدریج نگاه به ترکیه به عنوان یک کشور غربزده، در میان مسلمانان نیز تغییر کرد و باعث نفوذ اقتصادی آنها در منطقه گردید. دیدند این ها هم مسلمان هستند و گوشت خوک نمیخورند و اهل تجارت حلال هستند و زکات می دهند و... این بود که ذهنیت خاورمیانه و شمال آفریقا نسبت به رویکرد اقتصادی ترکها تغییر کرد. حتی آقای کوزو که شرکتش در شهر پرنده ایران مجری ساخت واحدهای مهر بود، خودش از همان قشر است و اهل یکی از شهرهای شرق آناتولی است. او یک شرکت بسیار عظیم عمران و ساخت وساز دارد که علاوه بر ایران در الجزایر هم فعالیت می کند. گاه تشکیلات عام المنفعه هم تأسیس می کردند و خیلی از کارهای عمرانی را رایگان انجام میدادند. آقای گل، رئیس جمهوری سابق ترکیه، هم خودش قبلاً در جده ی عربستان کارهای عمرانی انجام میداد. این گونه بود که نیروهای اسلامگرا در ترکیه شکل گرفتند و هم «ببرهای آناتولی» به عنوان یک از محرکها و پایه های توسعه ی ترکیه مطرح اند (خداییریا، ۱۳۹۲).

واژگان عدالت و توسعه دلالت بر دو مقوله دارد: آنچه در اسلام وجه بیرونی و اجتماعی دارد بحث عدالت است، یعنی اسلام در بعد اجرایی عملی وقتی تحقق می یابد که عدالت اجرا شود. آنها چون خود را پراگماتیک می دانستند، این بخش از اسلام را گرفتند و گفتند: ما کاری به این نداریم که فردی واجبات دینی را انجام می دهد یا نه، مشروب می خورد یا نه، اما برخورداری از رفاه و عدالت حق همگان است، چراکه در اسلام، بر رفاه نسبی جامعه ی اسلامی - نه رفاهزدگی - تأکید شده و ما می خواهیم یک سطح زندگی مطلوب ایجاد کنیم و اقتصاد را سامان دهیم که پیش زمینه

هفتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

بعد دیگر یعنی همان توسعه است، بنابراین آنها عدالت و توسعه را کمال مطلوب جامعه‌ی مسلمان و مدرن ترکیه دانستند، توسعه به طرف افق چشم انداز ۲۰۲۳ که در این افق قرار است ترکیه جزء ده اقتصاد برتر جهان باشد. حزب عدالت و توسعه به لحاظ فکری ضمن انقطاع از بخش‌های بزرگ از میراث دولت کمالیستی درصدد ایجاد ترکیه‌ای نوین براساس مبانی فکری و نظری خود است. این حزب علیرغم اینکه دارای مشی اسلامی به اجتماع و فرهنگ است؛ ولی نقطه تمایز آن از سایر جریان‌های اسلامی در ترکیه و حتی منطقه به مرشد فکری این گروه باز می‌گردد. آک پارتی و به‌ویژه شخص رجب طیب اردوغان تحت تاثیر "نجیب فاضل" شاعر و متفکر ترک هستند. نجیب فاضل به شدت معتقد به ایده‌ی دولت اسلام‌گرا با ماهیت ترک-دیدگاه ملی‌گرایانه به دین- و در عین حال تک حزبی می‌باشد. وی معتقد است ترکیه باید توسط یک حزب و یک رهبر شوهمند با شورایی متشکل از صد و یک نفر، این کشور را بر اساس اندیشه اسلامی اداره کند (وبسایت الوقت، ۱۳۹۴). حزب حاکم عدالت و توسعه، به‌عنوان جریان غالب و حاکم بر ترکیه که از زمان اربکان تاکنون قدرت را در دست دارد، سه سطح برای خودش تعریف کرده است: در سطح ملی حفظ استقلال و تمامیت ارضی و هدف خود را قرار گرفتن در زمره ده قدرت برتر جهان قرار داده است (قهرمان پور، ۱۳۸۶: ۴۴۶). در سطح منطقه با نوعی دیپلماسی فرهنگی، درصد طرح نوع‌ثمنی‌گری است و همچنین پیوستن به اتحادیه‌ی اروپاست (پل رو، ۱۳۵۲: ۲۳۹-۲۴۶)، در سطح جهانی هم خواهان تعامل استراتژیک با آمریکا به عنوان هژمونی برتر جهان است. این اصول سه‌گانه‌ی حزب عدالت توسعه، یعنی گفتمان برتر و حاکم در ترکیه است. جریان عبدالله گولن را نیز باید در بافت سیاسی- اجتماعی ترکیه‌ی کنونی پراهمیت شمرد که اساساً یک اسلام طریقتی را تبلیغ می‌کند که متفاوت از اسلام اخوانی و به طریق اولی اسلام شیعی است. این جریان بر کار به عنوان یک فضیلت تأکید دارد و حکومت را اساساً مقوله‌ی عرفی میدانند. خود گولن کمتر در ترکیه زندگی کرده است و بیشتر در آمریکا بوده است، اما چیزی که هست بیشتر روی آموزش و تجارت تأکید می‌کند و می‌گوید: تا ثروتمند و آموزش دیده نباشیم نمی‌توانیم تأثیرگذار باشیم. گولن طرفدار سنتز اسلام و ترک است و معتقد به مدرن کردن اسلام به دور از تقابل با دنیای غرب است. بعد از ناکامی‌های لائیک‌ها در پیشبرد اهداف ملی فوق، اسلام‌گرایان میانه‌رو با ارائه الگویی تلفیقی از ارزش‌های لیبرالی و دینی زمام حکومت ترکیه را در دست گرفتند. گولنیسم، امکان چنین تلفیقی را فراهم کرد. همزیستی سنت و مدرنیسم، عقل و شرع، علم و دین، دین و دولت و دفاع مبتنی بر اخلاق دینی از برخی اصول لیبرالیستی هم چون مدارا و تساهل، دموکراسی و دخالت مؤمنانه برای حل مشکلاتی همچون عدم وحدت در جهان اسلام و مسأله اقلیت‌ها از الگوهای جنبش گولن و اندیشه‌های گولن در ترکیه امروز به شمار می‌روند. بنابراین گولن فعال دینی و سیاسی ترک، یکی از چهره‌های منتفدی است که در حال حاضر نه تنها در ترکیه بلکه در میان مسلمانان اروپا، آمریکا و آفریقا از نفوذ بالایی برخوردار است. امروز جنبش گولن بیانگر قدرتمندترین جنبش «جماعت مسلمین» ترکیه است که در نقطه مقابل گروه‌های سکولار و غرب‌گرا تعریف می‌شود (نواختی مقدم، ۱۳۹۶).

به واقع اینکه، میراث عثمانی، سکولاریسم، اقتصاد و دموکراسی به‌طور دقیق و خلاصه میراث عثمانی-اسلامی، هویت گولن را تشکیل داده است. او جنبش خود را در راستای احیای کثرت‌گرایی فرهنگی امپراطوری عثمانی می‌داند. چرا که نوری نیز امپراطوری عثمانی را به‌دلیل ماهیت اسلامی آن، هویت بخش اقوام و فرهنگ‌های متنوع و دستیابی به وحدت در عین کثرت می‌دانست (همان، ۱۳۹۶). اربکان بحث‌های انتقادی «اسلام اردوغانیسم» و «اسلام آناتولیایی» را هم مطرح می‌کرد، یعنی اسلامی که فقط رنگ و لعاب اسلامی دارد، ولی مبانی‌اش غربی است و مرزهای ارزشی آن مشخص نیست و درست هم می‌گفت، برای مثال در ترکیه به دفعات می‌بینید که مراسم افطار برپا می‌کنند، ولی زنان بی‌حجاب در کنار مردان می‌نشینند، در واقع، دولت اردوغان پس از به قدرت رسیدن، تلاش کرد با بهره‌گیری از رویکرد کلان سیاست خارجی دولت اربکان و با توجه به تحولات استراتژیک منطقه، سیاست خارجی چندوجهی را در پیش گیرد (رانیر، ۱۳۷۹).

نو عثمانی‌گری

یوسف آقچورا برای نخستین بار در ۱۹۰۴ با چاپ رساله‌ای کوتاه به نام «سه طرز سیاست» سه نوع گفتمان سیاسی مطرح در امپراتوری رو به زوال عثمانی را طرح کرد و نوشت، سران کشور چاره‌ای جز اتخاذ یکی از این سه روش برای اداره دولت و کشور ندارند. رویکرد نو عثمانی‌گری در عین توجه به غرب به میراث اسلامی و عثمانی ترکیه نیز توجه دارد (Taspinar, ۲۰۰۸: ۱۴). دکتربین عثمانی‌گری پیش از روی کار آمدن عبدالحمید دوم رواج بیشتری داشت و هدف آن خلق ملت عثمانی بود. در این نوع از ملت‌سازی مولفه اصلی نه ریشه قومی و ملی بلکه ریشه‌های تاریخی و عضویت در امپراتوری بزرگ اسلامی بود. بر این اساس بر محور یک مفهوم مشترک از وطن ملت عثمانی همانند ملت آمریکا شکل می‌گرفت که هدف از آن نجات امپراتوری از زوال و تجزیه بود. (سیف‌الدینی، ۱۳۹۳).

شکل‌گیری ترکیه عثمانی به لحاظ تاریخی با مفهوم و نهاد خلافت و داعیه جانشینی رسول الله (ص) گره خورده و این مسئله بر تاریخ فکر و تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ترکیه سایه افکنده است. از دوران عثمانی این مسائل که در این امپراطوری، خلافت نبوی استمرار می‌یابد مبنای هویت غیریت‌سازی می‌شود. در آن دوران ابتدا دگرسازی در برابر با غربیان مسیحی به اصطلاح رومیان شکل می‌گرفت که بعدها به شرق و ایران شیعی (از دوران صفویه) نیز تعمیم یافت. این روند در ترکیه جدید، شکل بندی خاصی پیدا میکند. براین اساس فکر و شیوه خاصی از اسلام در این جامعه پدید آمده است که قویاً در حیات اجتماعی مردم ساری و جاری است. به همین منظور، شناخت مسائل امروز ترکیه مانند تعامل و تقابل اسلام‌گرایی، لائیسزم و حاکمیت ساختار میل‌تاریستی در گرو ادراک تاریخی عصر عثمانی است (Kocak, ۱۹۸۷).

بنا به دیدگاه داوود اوغلو ترکیه بر اساس تاریخ دو هویت دارد:

- ✓ هویت آناتولی
- ✓ هویت بالکانی

که این دو را باهم در قالب مرزهای پیشین امپراتوری عثمانی (البته نه به صورت سیاسی، بلکه به صورت فرهنگی) جمع کنیم. این گونه بود که طرح دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی ترکیه کلید خورد. (جوادی، ۲۰۱۶) اردوغان هنگام پیروزی حزب در انتخابات ریاست جمهوری، جمله‌ای به این مضمون گفت: این فقط پیروزی ما در ترکیه نیست، بلکه این پیروزی مردم سوریه، نابلس، بوسنی و آلبانی است (cumhuriyet.com.tr). در واقع او در این جمله به همان مرزهای امپراتوری عثمانی اشاره می‌کند. این کشور نمی‌تواند از منطقه جدا شود، ضمن اینکه با منطقه نیز همه مشکلاتش حل نمیشود، با پیوستن به اروپا بخشی از معضلات اقتصادی اش حل میشود اما مشکل امنیتی آن پابرجا میماند، مشکل امنیتی آن در تعامل با آمریکا حل میشود ولی در مقابل، فاصله اش با منطقه زیاد میشود (نصر، ۱۳۸۶: ۶۸-۶۹). داوود اوغلو حتی به صراحت گفت: هدف ما این است که در تمام سرزمینهایی که از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۲۵ از دست دادیم، به گونه‌ای با برادرانمان ملاقات کنیم. به رغم اقرار صریح مقامات ترک به سیاست عثمانی‌گری، هیچگاه عیناً از سیاست نو خلافت اسلامی و احیای آن نامی نبرده‌اند، چراکه یادآور عصر خلافت و از دست رفتن استقلال و تمامیت ارضی و سرسپردگی به بیگانگان است و اساساً با آموزه‌های لائیسزم و ملی‌گرایی آتاترک و نظام جمهوری در تضاد است (نک، کالجی، ۱۳۸۸). در واقع دکتربین تنش صفر با همسایگان نیز با در نظر گرفتن چنین شرایطی به دنبال حفظ بهترین روابط ممکن با تمام همسایگان و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است (Svet, ۲۰۰۶: ۷۱).

در کل مولفه‌های سیاست‌های نو عثمانی‌گری در ترکیه را می‌توان این‌گونه نام برد:

۱. ترکیه باید نقش پررنگ، فعال و متناسب با گذشته پرشکوه و عمق جغرافیایی خود ایفا کند.
۲. برای اجرای آن باید روی قدرت نرم خود سرمایه‌گذاری کند؛ زیرا به نظر او کشورش با مناطق (اروپا، خاورمیانه، قفقاز و بالکان) دارای روابط تاریخی و فرهنگی است

۳. نهادهای سیاسی داخلی این کشور می توانند الگویی برای کشورهای این مناطق باشند
۴. اقتصاد آن بازوی قدرتمندی برای پشتیبانی از این روابط است
۵. باید در مدیریت بحران های منطقه ای و بین المللی، نقش مهمی را ایفا نمود
۶. با همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی با کشورهای منطقه نیاز به مداخله قدرت های خارجی را از بین برد
۷. به جای التماس و صرف هزینه های گزاف برای پیوستن به اتحادیه اروپا، باید روی کشورهای منطقه سرمایه گذاری کند؛ به ویژه کشورهای که زمانی جزو امپراتوری عثمانی بودند (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۱)

چپ ترکی

به لحاظ اندیشه ای، چپگرایی در ترکیه یک سنت فکری قوی است که بر الگوهای توسعه کشور اثر قاطع خودش را گذاشته است. مثلاً آن تفکری که حزب جمهوری خواه خلق مطرح می کند و نشریه ای مثل روزنامه «جمهوریت» نماینده اش است، گرایش های سوسیالیستی چپ دارند و تحت تأثیر گرایش های چپ متعادل هستند. (نه به معنای چپ مارکسیستی ارتودوکسی که در شوروی سابق بود). این ها گرایش هایشان خیلی با همان مفهوم عدالت و برابری نزدیک تر است و چون چپ هستند از دل این جریان مخالفت با لیبرالیسم غربی درمی آید که در نتیجه به نوعی بازگشت به عثمانی گری داشته و اجباراً به اسلام گرایش پیدا می کنند.

جناح چپ ترکیه در دوران حیات اتحاد جماهیر شوروی بسیار قوی بود و به آنها «سولجو» یا همان چپگرا می گویند. برای نمونه بولنت جویت یا قبل از او عصمت اینونو گرایش چپ داشتند. در ترکیه چپگرایی به شدت گسترش داشت ولی وقتی که نظامیان به دلیل قدرت گرفتن چپ ها و ناتوانی دولت ها در سال ۱۹۸۰ کودتا کردند، حدود چهل، پنجاه هزار نفر را به اتهام چپگرا بودن اعدام کردند. بعدها بعد از اینکه دولت غیرنظامی تورگوت اوزال بر سر کار آمد، فضا بازتر شد. در زمان حاضر جریان چپ تا حدودی ضعیف شده، ولی هنوز فعال است. تعداد احزاب سوسیالیسم ترک زیاد است، بیشتر آنها در اروپا هستند و به عنوان حزب معاند شناخته می شوند، ولی آن چیزی که حاکمیت دارد، سکولاریستها و کمالیستها و ناسیونالیستها هستند. ناسیونالیست های ترکیه دو قسمت هستند: یکی ناسیونالیست هایی که ترکیه را در قالب مرزهای ملی اش میدانند و می گویند: «ترکیه برای ترکها» و عده ای به اتحاد جهان ترک اعتقاد دارند که نماد معروفشان همان گرگ خاکستری است. سه شعار اصلی گرگ های خاکستری عبارتند از:

- ۱) قلمرو ترک ها نه ترکیه و نه ترکستان بلکه امپراطوری بزرگ و جاویدان توران است
- ۲) هدف ما اتحاد صد میلیون ترک در یک ملت واحد است
- ۳) همه چیز از آن ترکها و برای برتری ترکهاست (موسسه ترجمه و تحقیق هور، ۱۳۹۵)

اخوان المسلمین

در فضای ژورنالیسم و روزنامه ای به نظر میرسد که «آ.ک.پ» شاخه ای از اخوان المسلمین است، ولی ابداً این طور نیست. چراکه «آ.ک.پ» به شدت به ناسیونالیسم ترک وفادار است، اما اخوان المسلمین یک جریان مذهبی فراملی و بی وطنی است، جمال ناصر سخنگوی اخوان نوشت که اخوان خواهان تاسیس حکومت اسلامی نیست، بلکه خواهان ایجاد نظامی دموکراتیک با مدل ترکیه است (Kassem, ۲۰۱۳: ۷۲). در حالی که اخوان المسلمین همه ی کشورهای عربی و اسلامی سنی مذهب را دربر گرفته است (جنتی، ۱۳۹۰)، اما اردوغان به شدت به بحث ناسیونالیسم علاقه دارد و با در پیش گرفتن چنین سیاستی، ترکیه عمیقاً در منطقه آسیای میانه، جایی که با آن پیوندهای طبیعی دارد، درگیر خواهد شد (احمدی، ۱۳۸۸).

اربکان خیلی از مفاهیم اسلامی مانند اتحاد اسلامی و استکبار ستیزی را تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران و جریان انقلابی اخوان المسلمین قرار داد، به همین خاطر تفاوت اساسی با اردوغان داشت و به جریان سید قطب نزدیکتر بود. جریان سید قطب به شدت ضد اسرائیل بود و به جهاد اعتقاد داشت، اربکان نیز به همین مسائل معتقد بود. وقتی علیه اربکان «کودتای پست مدرن» انجام شد یعنی ارتش بدون خروج از پادگان ها و فقط با یک اعلامیه حکومت او را سرنگون کرد، دو مسئله اصلی باعث سرنگونی اربکان شد که درسی برای اردوغان هم بود تا آن را تکرار نکند. طرفداران حزب اربکان دو جمله گفتند که نشان دهنده ی بنیادگرایی اسلامی آنها بود، یکی اینکه رابطه با اسرائیل باید ۱۰۰ درصد قطع شود و به سرنگونی اسرائیل کمک شود که این موضوع سوای جمهوری اسلامی ایران، از آرمان های جناح تندرو اخوان المسلمین نیز هست (جنتی، ۱۳۹۰). البته نمی خواهیم بگوییم که جمهوری اسلامی ایران متأثر از آن هاست، چون در ایران از همان زمان تأسیس دولت اسرائیل و در زمان آیت ... کاشانی، از جنبش فلسطین و سرنگونی اسرائیل حمایت شده بود (وبسایت تاریخ ایرانی، ۱۳۸۹). شعار عملی دوم هم این بود که گفتند: آتاترک دیگر پدر ما نیست (آتا در ترکی یعنی پدر) و ارتش که یکی از ارکان اصلی میراث آتاترک قلمداد می شد، و همیشه به عنوان محافظ همیشگی اصول سکولاریسم و راست گرایی در ترکیه عمل می کرده است علیه اربکان کودتا کرده و دولتش را سرنگون کردند (کریمی، ۱۳۹۵).

برنامه ها و سند چشم انداز توسعه در ترکیه

جمهوری ترکیه، بدهی های سنگینی را از امپراتوری عثمانی به ارث برد و این مسئله، این کشور را از همان آغاز دچار مشکلات عدیده ای کرد و باعث شد تلاش سیاستمداران و دولتمردان این کشور معطوف طرح ریزی و اجرای برنامه هایی گردید تا فشار اقتصادی ایجاد شده بر این کشور را بکاهد و موجب کاهش مشکلات کشور گردد. در این راستا، گسترش و توسعه بخش خصوصی، تخصیص زمین به کشاورزان و مهاجران، توسعه بخش کشاورزی و حمایت از تولیدات داخلی به وسیله سیاست های مناسب گمرکی اعمال و طرح های اقتصادی و صنعتی ارائه و اجرا گردید. وزارت توسعه متولی امر توسعه در کشور ترکیه است و مسئولیت برنامه ریزی را بر عهده دارد که در نهایت مدل توسعه را طراحی و مجموعه پروژه های ملی را در استان های مختلف اجرا می کند (پل رو، ۱۳۵۲: ۸۱-۸۲).

اولین طرح صنعتی پنج ساله از ۱۹۳۴ به اجرا درآمد و تحت طرح مزبور، صنایع کشور به پنج بخش عمده ی صنایع تولیدی و پوشاک و البسه، معادن، تولیدات صنایع دستی، مواد شیمیایی و مشتقات مربوط به آن و صنعت چوب و کاغذ تقسیم گردید. اولین طرح با نه درصد رشد ارزیابی شد. دومین طرح در ۱۹۳۹ اجرا شد که به علت جنگ جهانی موفقیت آمیز نبود و لذا این شرایط تا ۱۹۵۰ تداوم یافت. در ۱۹۵۰ در ترکیه سیاست اقتصاد آزاد اعلام شد و با وقوع تغییرات اساسی در بخش های عمده ی تولید از جمله مکانیزه شدن تولید و حمایت بانکها از بخش های خصوصی، این کشور رشد بی سابقه ای را تجربه کرد. در ادامه ی این فرایند، برنامه های پنج ساله دیگری نیز در خلال سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۹۴ اجرا گردید تا جایی که اکنون بر اساس اعلام «مجله ی فوربس»، از نظر تعداد میلیاردرها، شهر استانبول در ۲۰۰۸ با سی و پنج نفر میلیاردر، پس از مسکو، نیویورک و لندن، در رده ی چهارم جهان قرار دارد و از این لحاظ از شهرهایی مانند توکیو، هنگ کنگ، لس آنجلس و دالاس پیش تر است.

حزب عدالت و توسعه، به شکل توأمان هم الحاق به اتحادیه ی اروپا و هم سند ترکیه ۲۰۲۳ را مبنای الگوی پیشرفت خود قرار داد. حامیان الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، مانند آمریکا و انگلیس معتقدند که عضویت ترکیه می تواند به تقویت نهادهای دموکراتیک در این کشور منجر شود، اقتصاد اتحادیه را تقویت کند و پاداشی برای ترکیه به خاطر موضع قوی و باثباتش در حمایت از ناتو باشد. آنها معتقدند که ترکیه تمام شرایط الحاق را می تواند تأمین کند. در واقع درخواست ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا انگیزه اصلی این کشور برای انجام اصلاحات اقتصادی و سیاسی داخلی

است (Graham E. Fuller, ۲۰۰۴: ۵۷)، این حزب شعار «ملت بزرگ، تمدن بزرگ» را در سال ۲۰۱۲ در سند توسعه خود تصویب کرد. در ترکیه که احزاب واقعی و ریشه دار هستند، احزاب نیز دارای سند توسعه هستند و تلاش می کنند سندهای توسعه ی ملی را از اسناد حزبی خود یا متأثر کنند یا از آن تأثیر بپذیرند. سند توسعه ی حزب عدالت و توسعه به گونه ای تنظیم شده که گویا قرار است ترکیه با همراهی این حزب، یکصدمین سالگرد تأسیس جمهوری را جشن بگیرد، یعنی طوری این سند را طراحی کرده اند که با حضور آنها در قدرت، یکصدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه با «سند چشم انداز ترکیه ۲۰۲۳» محقق می شود. آنها حتی میکوشند این ذهنیت را در مردم به وجود آورند که حضور حزب «عدالت و توسعه» مشروعیت بخش «سند چشم انداز» است.

سطوح تحول و توسعه

توسعه ی اقتصادی

همانطور که اشاره شد، بحث توسعه اقتصادی در ترکیه با حضور تورگوت اوزالی که مشاور نخست وزیر ترکیه بود، در حدود ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ آغاز شد که هدف وی نوشتن برنامه ی اقتصادی توسعه بود. اقتصاد ترکیه به گونه ای شد که در خلال سال های دهه ۱۹۹۰، در بین کشورهای OECD، سریع ترین رشد را داشته است. انستیتو ملی آمار ترکیه، رشد GNP در سال ۱۹۹۵ را ۱/۸٪ اعلام کرده و درآمد سرانه نیز با ۹/۲۲٪ رشد، به نسبت ۱۹۹۴ به ۳۶۸۵ دلار رسید، اما کارشناسان اقتصادی برای ۱۹۹۹، رشد اقتصادی کمتری را پیش بینی کرده بودند. البته طی سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸، تورم، افزایش چشمگیری داشت به طوری که در آوریل ۱۹۹۹ به حدود ۷۵ درصد رسید (پل رو، ۱۳۵۲). صنایع نساجی با ۱۹٪، صنایع خودروسازی با ۱۸٪، صنایع فولاد و ذوب آهن با ۱۳٪، لوازم خانگی با ۱۰٪، صنایع شیمیایی و داروسازی با ۹٪ و ماشین سازی ۷٪، عمده ی صادرات صنعتی ترکیه را تشکیل می دهند. صنعت نساجی ترکیه در سال ۲۰۰۶ صادراتی به ارزش ۱۳/۹۸ میلیارد دلار داشت که بخش اعظم آن (۷۶٪) به کشورهای عضو اتحادیه اروپا صادر شد. صنایع الکترونیکی وستل ترکیه بزرگترین تولیدکننده تلویزیون در اروپا است که یک چهارم تلویزیون های خریداری شده توسط مشتریان اروپایی توسط وستل تولید می شوند. مجموع تولید تلویزیون شرکت وستل و بکو بیشتر از نصف تولید تلویزیون اروپا است. شرکت ترکیه ای پروفیلو - تلار نیز سومین تولید کننده تلویزیون در اروپا است و لوازم خانگی تولید ترکیه هیجده درصد از بازارهای اروپا را به تسخیر درآورده است. صنایع اتومبیل سازی ترکیه پس از آلمان، فرانسه، اسپانیا، انگلیس و ایتالیا در رده ششم اروپا جای گرفت. در همین سال، رتبه ترکیه در خودروسازی جهان در رتبه هفدهم جای گرفت و صادرات خودرو و قطعات یدکی خودرو را به چهارده میلیارد دلار رساند (وبسایت مرکز آمار ترکیه، ۲۰۱۷). ترکیه، بعد از اوزال در دهه ۱۹۹۰ با دو بحران اقتصادی مواجه شد ولی همچنان بر اساس برنامه های تورگوت اوزال پیش می رفت. همچنان که سابقاً بیان شد اردوغان نیز در یازده سال گذشته، همان برنامه های توسعه را پی گرفت.

سیاست اقتصادی در برابر اقتصاد سیاسی

توسعه، علاوه بر ابعاد اقتصادی، شامل جنبه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز میگردد. به نظر می رسد که ترکیه در زمینه ی توسعه ی سیاسی بخصوص مباحثی مانند مشارکت، احزاب، جامعه مدنی، دموکراسی، آزادی بیان و... جایگاه نسبتاً خوبی را در منطقه دارد. احزاب در آنجا واقعی هستند و نه صوری. حتی حزب تورگوت اوزال، گرچه هنوز وجود دارد، اما از دوازده سال پیش دیگر نتوانست رقابت کند و دیگر جایگاهی ندارد. به دلیل رقابت احزاب برای دستیابی به قدرت، این احزاب برای راهیابی به مجلس، سیاستگذاری و برنامه ی مدون و منسجم دارند و دولت برای حمایت از

آن‌ها تسهیلاتی به آنها می‌دهد. حتی در آیین نامه‌ی اصلی حزب عدالت و توسعه اینگونه اشعار می‌دارد: دموکراسی باید روش اصلی اداره‌ی امور داخلی حزب باشد (Tepe, 2005: 73).

ثبات و رشد اقتصادی هم خود یکی از مقومات توسعه‌ی سیاسی است. اقتصاد ترکیه در دهه‌ی نود، دو بحران را تجربه کرد، چنانکه ارزش لیر سه تا چهار برابر کاهش پیدا کرد اما دوازده سال است که ارزش لیر مدام بیشتر می‌شود که این نشانه‌ی ثبات اقتصادی است و باعث ثبات سیاسی و استمرار بحث توسعه در ترکیه می‌شود. از طرف دیگر، به رغم ایجاد گشایش در فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه پس از پایان جنگ جهانی دوم، تغییری در قرائت نخبگان حاکم از فرآیند نوسازی رخ نداد. رهبران حزب دمکرات که در سال ۱۹۵۰ از طریق انتخابات موفق شدند به اقتدار ۲۵ ساله‌ی حزب جمهوریخواه خلق پایان دهند، سودای تبدیل ترکیه به یک آمریکای کوچک را در سر داشتند و می‌کوشیدند هر چه بیشتر این کشور را از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی در بلوک غرب ادغام کنند.

توسعه‌ی نظامی و امنیتی مقدس

ترکها همواره نسبت به استقلال و تمامیت ارضی خودشان نگاه هراس آلودی دارند، بنابراین نوعی نگاه ملیتاریستی در ترکیه همواره هست و در آنجا ارتش مقدس است (اتابکی، ۱۳۸۶). هرچند ساختار نظامی ترکیه رو به مدنی شدن است، اما بنا به همان تجربه عصر عثمانی و فویبای تجزیه معتقدند ترکیه باید از نظر قدرت نظامی برتر باشد و اگر نباشد خیلی کشورها ممکن است آن را نابود کنند. آشکار شدن روند تغییراتی که در زمان دولت عدالت و توسعه رخ داد، سوالات مهمی را در این زمینه به ذهن متبادر می‌کند، اینکه چگونه حزب حاکم می‌تواند با تنش‌های تاریخی نهادهای سکولار قدرتمند و به لحاظ سیاسی موثر و ارتش مقابله کند (Cizer, 2008: 4) حتی باوجود اینکه ترکها با اسرائیل رابطه‌ی نزدیک دارند، ولی در عین حال می‌ترسند که روزی اسرائیل به خاطر آب فرات، اهمیت استانبول، شهر مقدس اورفا و ده‌ها علت دیگر، استقلال و تمامیت ارضی آنها را پایمال کند! از جمله اینکه در مقاطعی نیز روابط اسرائیل با کردهای عراق و حمایت این کشور از فدرالیسم و استقلال کردها، از جمله مواردی است که خشم مقام‌های آنکارا را نسبت به اسرائیل برانگیخت (مهری پور، ۱۳۸۶: ۲۰).

هرچند به لحاظ اصولی، سیاست خارجی ترکیه مبتنی بر موازنه منفی است، اما در عمل آن کشور عضو ناتو است و نمی‌تواند موازنه منفی داشته باشد و مجبورند دستورات غرب را اجرا کنند. بعد از تشکیل جمهوری در ترکیه و مقارن با قدرت یافتن شوروی کمونیست، ترکها از جانب شوروی احساس خطر کردند که چون قدرت عثمانی از بین رفت و حالا توانایی دفاع ندارند، لذا اگر تلاش نکنند، ممکن است همین سزرمین مرکزی را نیز از دست بدهند. لذا امنیت خود را به امنیت بقیه کشورها گره زدند و به ناتو پیوستند. ایران هم امنیت خود را در آن زمان به اسرائیل گره زده بود. ترک‌ها بزرگترین ارتش زمینی ناتو را دارند و جزء اعضای اصلی ناتو در منطقه به حساب می‌آیند (وبسایت برترین‌ها، ۱۳۹۵).

خصوصی سازی؛ واقعی یا نمایشی

سیاستهای خصوصی سازی در ترکیه به این سمت پیش رفته است که واگذاری کامل انجام شود و صحبت بر این است که تا سال ۲۰۱۵ هیچ چیز در دست دولت نباشد، ولی ما نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم، زیرا طبق قانون اساسی ما، اقتصاد سه بخش دارد: دولتی، تعاونی، خصوصی. بحث اصل ۴۴ قانون اساسی هم این بود که بتوانند خصوصی سازی را بیشتر در قالب بخش تعاونی و بنگاه‌های کوچک و متوسط مردمی رشد دهند، ولی در ترکیه چنین نیست.

ترکیه بیشتر مدل آمریکا را در نظر دارد، چون در فرانسه و کشورهای اسکاندیناوی هنوز بحث اقتصاد سوسیالیستی و دولت رفاه مطرح است، ولی در انگلستان و آمریکا دولت هیچ مداخله‌ای در اقتصاد ندارد. بحث بازار آزاد

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

را هم که مطرح می کنند بر اساس اصل این نظریه ی اقتصادی است که دست نامرئی بازار، خودش بازار را تنظیم می کند. پس ادامه بحث آزادسازی اقتصادی را آقای اردوغان پیگیری کرد که پیامدهایی هم در پی داشت که البته این پیامدها خودش سبب توسعه ی اقتصادی ترکیه شده است. اگر بنگریم، خصوصی سازی در حوزه های مختلف اقتصاد ترکیه انجام گرفته است، به عنوان مثال، در بخش تولیدی و در بخش توریست که بخش عمده ای از درآمد ترکیه را به خودش اختصاص داده است و بیشتر آن مربوط به مدیریت کلان و صحیحی است که توانسته همه بخش ها را به درستی به طرف تولید و در راستای منافع ملی ترکیه قرار دهد. اگر فقط روی یک بخش تمرکز می کردند، قطعاً نمی توانست این قدر تأثیر داشته باشد. امروزه در داخل ترکیه در توریست، تولید، استفاده از موقعیت ژئوپولیتیک و نیز از نظر استفاده از تاریخ و فرهنگ ترکیه، همه چیز در مدیریت کلان جای دارد، چنانکه مثلاً به لحاظ تاریخی و فرهنگی سعی کردند مرادوات اقتصادی شان و نیز دایره فعالیت شرکتهای خصوصی و اقتصادی را در قلمرو سرزمینی که در گذشته متعلق به امپراتوری عثمانی بود گسترش دهند و از این فاکتورهای فرهنگی در آسیای میانه و قفقاز استفاده کردند تا شرکتهایشان در آنجا فعالیت داشته باشند (مرادی، ۱۳۸۶).

نفی مسیر از سبیل اتحادیه اروپا

ترکیه از سال ۱۹۹۴ که بحث پیوستنش به اروپا را مطرح کرد، باید بر اساس معیارهای کپنهاک که در سال ۱۹۹۳ برای ورود اعضای جدید به اتحادیه اروپا وضع شده بود، دست به اصلاحات وسیع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می زد تا تمامی شروط و بندهای ۳۱ گانه این پیمان را برای الحاق به اتحادیه احراز می کرد. ترک ها در مسیر غربی شدن و احراز بندهای کپنهاک، اصلاحات فراوانی انجام داده اند، با این حال اروپا گفته که فقط ۳ یا ۴ بند از این پیمان نامه اجرایی شده است و این نشان می دهد که برخلاف کشورهای اروپای شرقی که نسبتاً به سهولت به اتحادیه پیوستند، ترکیه مسیری دشوار در پیش دارد و شاید دست آخر هم نتواند به اتحادیه ی اروپا بپیوندد. نخبگان ترکیه میگویند: ما خودمان هم می دانیم که ما را به این اتحادیه راه نمی دهند، ولی این محرک خوبی است که باعث می شود جامعه به تکاپو بیفتد و بهتر کار کند. ولی به گفته سخنگوی پارلمان اروپا اصلاحات صورت گرفته دلگرم کننده و انقلابی بود (EP، ۲۰۰۳: ۵) که نشان از انگیزه قوی و خواست سیاسی آن کشور است تا استانداردهای اتحادیه اروپا را هم در قوانین و هم در حوزه اجرایی به کار بندد (ibid: ۶). ترکها از زمان جنگ جهانی تا نزدیک هشتاد سال است که یک کلونی بزرگ در آلمان دارند، اما هنوز با جمعیت آلمان در نیامیخته اند و اروپایی ها از این مسئله بسیار هراسناک اند که الحاق یک شریک به مانند ترکیه به اتحادیه ی اروپا، کانالی برای مسائلی مانند بنیادگرایی شود. حتی حزب اسلام گرای عدالت و توسعه، که با نگرشی مثبت به عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا نگاه می کند، وعده داده است که شرایط اتحادیه اروپا مبنی بر دموکراسی سازی و حل بحران قبرس را بپذیرد (Marcie J. Potton, ۲۰۰۶: ۵۱۵). اروپا ترجیح می دهد که ترکیه برایش راهبردی باشد تا یک عضو اتحادیه. لذا به نظر می آید نهایت کاری که خواهند کرد این است که اتحادیه ی کامل گمرکی با ترکیه برقرار نمایند و آن را به عنوان متحد راهبردی بپذیرند. مساله دیگری که باید مورد توجه واقع شود این است که اگر ترکیه به دنبال تاسیس الگوی اسلامی است چرا خواستار تبعیت از اتحادیه اروپا است! یعنی یک کشور اسلامی چگونه با نادیده گرفتن اصل نفی سبیل خواهان الحاق به نظام غربی است!

جایابی دین، سکولاریزاسیون و لائیسیتنه در توسعه

نخستین قانون اساسی ترکیه در سال ۱۹۲۴ تصویب شد و دین رسمی کشور را اسلام معرفی کرد، لیکن در اصلاحات قانونی سال ۱۹۲۸ این ماده قانونی حذف و با تأکید بر جدایی دین از سیاست، ترکیه را کشوری با دولت حکومت غیرمذهبی معرفی کرد. بنا بر آخرین آمار موجود در ترکیه، حدود ۹۸٪ از جمعیت این کشور را مسلمانان و ۲٪ را مسیحیان و کلیمیان و پیروان دیگر ادیان تشکیل می دهند. مسلمانان ترکیه بیشتر پیرو مذهب تسنن هستند و حنیفی ها بزرگترین گروه به شمار می آیند که عمدتاً در مرکز و غرب ترکیه ساکن هستند. شافعی ها با جمعیتی کمتر

در مناطق شرقی ترکیه مستقرند و اکثرأ کرد هستند. شمار پیروان مذاهب دیگر بسیار کم است. بنا بر آمار رسمی دولت ترکیه، جمعیت مهم علویان نیز که خودش به چهار دسته تقسیم میشود، حدود دوازده میلیون نفر است شامل ترک ها، کردها، زازاها و عرب ها که خود ترک ها از سه دسته چینی ها، تختچی ها و بیدیها تشکیل شده اند (دونمز، ۱۳۸۹: ۲۷-۳۲).

رهبران نظامی ترکیه همواره نگران تهدیدها بر ضد سکولاریسم بوده اند. در واقع عدم امنیت و اطمینان از نیروهای سکولار ترکیه، از نیروهای مسلح ترکیه نشأت می گیرد (TAF) که همواره به شدت با اسلامی کردن سیاست ها توسط احزاب و اعمال سیاست های ضدسکولار مقابله کرده است (Cizer, ۲۰۰۸: ۳). بیشتر رهبران سیاسی ترکیه از افسران رده بالای ارتش، استادان دانشگاهها یا بازرگانان موفق بوده اند. بسیاری از فرمانداران استانی نیز از ژنرال های پیشین یا گردانندگان امور شهری هستند که از برنامه ی مدیریت عمومی دانشگاه آنکارا فارغ التحصیل شده اند. بزرگان و سران ارتش خود را نگهبان قانون اساسی و آرمانهای آتاترک میدانند. در کل نوعی فرهنگ اسلامی - غربی بر جامعه ی ترکیه و سیاستها و راهبردهای این کشور حاکم است که از نتایج رسمی بودن مرام سکولاریسم در این کشور به حساب می آید. اما به طور کلی، میراث اسلام در ترکیه، میراثی بسیار قدرتمند و بانفوذ اجتماعی بالا است. حتی سکولارترین و ملی گراترین گرایش های ترکیه هم به اسلام گره خورده اند و اسلام هنوز یکی از پایه های تجدد در ترکیه است. هر جا را نگاه کنید، میراثی از خلافت عثمانی هست که به ترکیه فعلی رسیده و این برخلاف آن باوری است که ما فکر می کنیم (پل رو، ۱۳۵۲: ۲۰۵-۲۰۶). بعد از آن آتاترک، چون الفبای عربی را تغییر داد و اقداماتی مانند کشف حجاب انجام داد، اسلام ستیزی کامل بر ترکیه حاکم بوده است. کمال پاشا شخصاً سنتگرا و اصالتاً ترک منطقه ی بالکان است. جایی که به موجب قراردادهایی که خلیفه عثمانی با غربی ها منعقد کرد به خاک عثمانی برگشتند و اسلام برایشان جایگاه خاصی دارد. لذا، حتی در حال حاضر نیز که «میراث کمالیسم» بازخوانی می شود، اسلام ستیزی در آن چشمگیر نیست. تا جایی دیگران نیز گاهی به این باور می رسند که نمونه آن را می توان در روزنامه دارالحیات چاپ لبنان یافت که در یکی از شماره های خود نوشت: بهتر است ترکیه، امپراتوری عثمانی را دوباره اعاده کند و خلافت جهان اسلام را برعهده گیرد (روزنامه دارالحیات، بیروت، ۲۰۰۷/۹/۵).

وقتی از اسلام در ترکیه سخن می گوئیم، یادمان باشد که منظور چه اسلامی است؟ مثلاً علویان که اتفاقاً خیلی هم به ایران و تشیع گرایش دارند (دونمز، ۱۳۸۹) یا سکولارترین آدمهای ترکیه که گرایش های ملی گرا یا حتی چپ دارند، اگرچه شریعتمدار نیستند، اما خود را مسلمان می دانند. از سوی دیگر، تنوعات اجتماعی جامعه ی ترکیه با ایران بسیار متفاوت است و ترکیه از این بابت جامعه ای چند پارچه به لحاظ قومی، مذهبی و زبانی است و لذا آن باوری که ما نسبت به شریعت در اسلام داریم، در ترکیه شکل دیگری پیدا کرده است. حتی در اندیشه های اسلامگراترین نخبه ی سیاسی ترکیه ی معاصر یعنی «مرحوم نجم الدین اربکان» هم وجوه شریعتمدارانه کم رنگ و وجوه صوفیانه پررنگتر بود (شکارچی، ۱۳۹۱). اردوغان با اقداماتی تلاش کرد تا چهره اسلامی تری به وضعیت ترکیه بدهد. ولی بنیان ترکیه با یک کشور اسلامی مثل ایران، از ریشه متفاوت است. امروزه این طریقتها هستند که در ترکیه قدرت دارند و حتی مناصب و وزارتخانه ها هم بین آنها تقسیم شده است. برای مثال وزارت کشور به طور سنتی در دست طریقت «نورجی» است. یا آقای داوود اوغلو پیر و مرادی دارد که او را ارشاد میکند. در واقع نسل دین داری که حزب عدالت و توسعه در پی آن بود برای این هدف تربیت می شد که احزاب محافظه کار دارای آرای موافق در انتخابات سیاسی باشند (دورموش، ۱۳۹۱: ۷۷). ریشه جریان «فتح الله گولن» نیز به نوع تلقی ترکها نسبت به اسلام که همان اسلام صوفیانه و طریقتی است برمی گردد، در نظرگاه گولن اسلام و مدرنیته غربی کاملاً با یکدیگر سازگاری دارند (نواختی مقدم، ۱۳۹۶)، اما این سازگاری به بهای عقب نشینی پاره ای از احکام صریح اسلام مانند جهاد همراه است. در این مدل طریقت تا حدی بر شریعت رجحان می یابد و اسلام طریقتی جانشین اسلام فقهاتی می شود. مهمتر از آن جریان گولن به استناد پیشینه دولت عثمانی، سنتی از پیوند اسلام و ترک را مطرح می کند که متضمن تسامح و تساهل است و از این منظر، اسلام

هفتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

عثمانی را مترقی تر از اسلام عربی میدانند. گولن جمله ی معروفی دارد که میگوید: هدف ما تربیت جوان هایی است که از نظر خصائل اخلاقی، شبیه پیامبر اکرم (ص) باشند و از نظر کسب و کار، تجار شریفی باشند (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵). جریان گولن به تربیت نسل جوان بسیار اعتقاد دارد و بنابراین آموزش توأم با تجارت را با این شعار که «اول بیاموزید و پس از آموختن، تجارت حلال انجام بدهید» در کانون توجه قراردادند و توانستند این قشر را تربیت کنند. بیشتر جوان های فعال ترکیه تربیت شده ی همین کانون های آموزشی - اقتصادی هستند و در جاهایی که به آن «جماعت» میگویند گردهم می آیند و در آن مراسم دینی برگزار می کنند. این عده به حضرت علی (ع) اعتقاد بسیار دارند. شایان ذکر است که بانی و مدیر این مراکز و مراسم، تجار و صاحبان صنایع متوسط هستند. چنین ساختار عقیدتی و هویت بخشی ای امروزه در رفتار مقامات ترکیه و حتی نهادهای غیردولتی طریقتها از جمله نحله فتح ا... گولن در قالب سیاست نوخلاف اسلامی تبلور یافته است (أرس و عمر کاه، ۱۳۸۱: ۵۹-۸۳).

درست است که اسلام زدایی و کشف حجاب از زمان آتاترک صورت گرفت، اما ریشه اصلی آن به کودتای نظامیان ترک در سال ۱۹۸۰ و در پی نگرانی غرب از تکثیر انقلاب اسلامی باز میگردد. بعد از کودتای ۱۹۸۰ گفته شد اگر قرار باشد بعد از انقلاب اسلامی ایران در جای دیگری انقلاب اسلامی اتفاق بیفتد، آنجا ترکیه خواهد بود. علت این امر هم ظرفیت بالای مسلمانان رادیکال در آنجا بود. شعارهای انقلاب، ترکها را به چالش کشید و باعث شد بدنه حاکمیت که لائیک بودند و نیروهای نظامی که نگهبانان نظام بودند، جلوگیری از حجاب را در پیش گیرند و حجاب را ممنوع کنند. این یعنی آنهایی که ظرفیت انقلابی شدن دارند، وارد سیستم نشوند و خانواده های مذهبی نتوانند وارد ادارات و مدارس شوند که باعث هدر رفتن ظرفیت بزرگی از اسلامگرایی در ترکیه شد (مجله پگاه حوزه، ۱۳۸۸). اردوغان نمی گوید که لائیک بودن بد است، اما چون هنوز بدنه حاکمیت لائیک است میگوید قوانینی که تصویب شده نامناسب است. آنها میگفتند اسلام و قوانین اسلام مانع توسعه است، اما اردوغانی ها می گویند عدم توسعه هیچ ارتباطی با اسلام ندارد، بلکه تفسیرهای ارائه شده از اسلام نادرست بوده است. اردوغان و حزب حامی اش همچنان با همان سیستم قدیمی کار می کنند اما در تلاشند قوانینی را که برای مسلمانان محدودیت ایجاد کرده از پیش روی آنها بردارند اما همانطور که گفته شد، به گفته رهبران عدالت و توسعه، آنان هیچ برنامه ای برای برقراری دولت اسلامی در ترکیه ندارند و به قانون اساسی سکولار کشورشان پایبندند.

اقسام ساخت های اجتماعی ترکیه؛ اصل و بدل

ترکها، ساخت اجتماعی مهمی برای پیشبرد الگوی توسعه ی خود در نظر داشته اند، در ترکیه هیچ چیز به اندازه ی حفظ استقلال و نظام جمهوری مهم نیست که سابقه ای تاریخی دارد. همانطور که می دانیم، امپراتوری عثمانی به مدت چند قرن در سه قاره بزرگ آسیا، آفریقا و اروپا، قلمرو پهناوری داشت. از قرن هفدهم به بعد که این امپراتوری نتوانست خودش را با پیشرفت های دنیای جدید تطبیق دهد، قلمرو آن مدام کوچک و کوچکتر شد، نخست از اروپا رانده شد و بعد از آفریقا و بعد از مدیترانه شرقی یا شامات و سرانجام به آناتولی خزید (رمضانی بونش، ۱۳۸۹). پر واضح است که این نظام جمهوری، نظامی مبتنی بر اندیشه اسلامی نیست بلکه بیشتر از اندیشه جمهوری خواهی تعریف شده در غرب تبعیت می کند به بیان ساده تر نظام دموکراسی ترکیه مبتنی بر اندیشه سکولار غربی است.

مسئله ی دیگری را هم که به عنوان ساخت اجتماعی می توان مطرح کرد، بحث ناسیونالیسم ترک یا همان پان ترکیسم است. ترکها از ناسیونالیسم همچون یک عامل محرک اجتماعی برای پیشبرد اهداف توسعه استفاده می کنند. در این تلقی، ترکیه باید نسبت به پنج جمهوری ترک (آذربایجان، ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان و ازبکستان) نقش رهبر و برادر یا بزرگتر را داشته باشد و نیز نباید نسبت به سرنوشت هیچ ترکی در سراسر جهان بی توجه باشد. برای مثال در افغانستان برای ازبکها کانال تلویزیونی تأسیس می کنند تا نشان دهند که آنها هم جزء ملت ترک هستند. حزب ملی گرای مردم، یکی از احزاب بزرگ ترکیه، نقشه ای منتشر کرده که در آن جهان ترک به صورت قرمز رنگ

هفتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

نشان داده شده است، در این نقشه جهان ترک بخش هایی از ایران، افغانستان، چین تا فنلاند را در برمی گیرد. ترکیه حتی با تحکیم پیوندهای طبیعی خود با آسیای میانه در حال نزدیک شدن به چین است و روی اویغورها و ترکستان شرقی کار می کند (احمدی، ۱۳۸۸). آن ها آنقدر به ناسیونالیسم ترک اهمیت می دهند که برایش دست به تحریف تاریخی می زنند و تاریخ تمدن خودشان را طلیعه ی تمدن بشری معرفی می کنند. مثلاً می گویند که بوعلی سینا اهل بلخ بوده و بلخ هم ترک هستند لذا بوعلی ترک بوده است! در حالی که همه می دانند بلخ فارسی است (نساج، ۱۳۸۹).

برخی از نخبگان آن ها می گویند که به این مسئله به عنوان ابزاری برای تزریق غرور ملی و روح ترک نگاه می کنند و خودشان هم معترفند که پیشینه ی تمدنی آنها عمدتاً مأخوذ از تمدن های دیگر مانند چین و ایران است. حتی ترک هایی که وارد آناتولی شدند و تمدن سلاجقه ی روم را پایه گذاری کردند، از ایران آمدند و شاخه ای از ترکان سلجوقی ایران بودند و فرهنگ و تمدن اسلامی را در وهله ی نخست عمدتاً کسانی برایشان آورده اند که ریشه ی ایرانی داشتند. ولی امروز خیلی نمی توانند این مسائل را بیان کنند و از همین رو بحث ترک را مطرح می کنند. یکی از عللی هم که اروپایی ها از الحاق این ها می ترسند، همین ناسیونالیسم ترکی آن هاست.

نوعی پایبندی عمومی به منافع کشور، افتخار به گذشته و نیز تلاش برای توسعه و آبادانی در جامعه ی ترکیه، ساری و جاری است که نماد و سمبل های آن صرفاً برساختها و نمادهای حکومتی نیست بلکه نسلهای مختلف جامعه آن را با افتخار پذیرفته است. مثلاً شخصیتی مثل کمال پاشا، به رغم اینکه کارکردش خیلی مورد نقد قرار گرفته، اما باز هم از جانب گروه ها و اقشار مختلف جامعه، به عنوان ناجی و احیا کننده ی ترکیه در یک دوره ی سرنوشت ساز تاریخی، مورد احترام ویژه ای قرار دارد، و تصاویر او همه جا هست. این موضوع هم نه به عنوان امری تحمیلی از جانب حکومت، بلکه به عنوان یک امر فرهنگی و هویتی جافتاده است.

بنیان توسعه؛ توسعه ی علمی - فرهنگی

به طور اجمالی باید گفت که این کشور، مانند ایران و مصر، در بعد نظریه پردازی و روشنفکری دینی، حداقل در دوره ی جمهوری، پشتوانه ی زیادی ندارد. البته در زمان عثمانی چون با غرب مواجهه داشتند، نوعی پویایی و پیشتازی در عرصه ی نقد و نظریه پردازی وجود داشت و کسانی چون: نامق کمال، عبدالله جودت و علی سعاوی از جمله روشنفکران دینی عصر عثمانی بودند که خیلی هم بر انقلاب مشروطه ی ما تأثیر گذاشتند تا آنجا که در عصر مشروطه خواهی و اوایل قرن بیستم، مناسبات ایران و عثمانی بیش از هر زمان دیگر به عرصه های فکری و فرهنگی دامن گسترد (اطهری، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

در زمینه ی روشنفکری به مفهوم مجرد کلمه، متفکران ترکیه بیشتر عملگرا و تکنوکرات هستند. کمال درویش، علی بولات یا حتی آقای احمد داوود اغلو، نمونه هایی هستند که هم در عرصه ی نظری و هم در عرصه ی عملی شاخص اند. داوود اغلو در حوزه ی اندیشه ی سیاسی و اسلام تحقیقاتی انجام داده و تز دکتری اش درباره ی غزالی است. وی حتی در مورد اندیشه ی سیاسی شیعی هم مقاله دارد. به رغم این فعالیتها آنچه هست، در عرصه ی اجرایی و با رویکرد، عمل گرایی است. رهبران حزب عدالت و توسعه خودشان را «مسلمانان محافظه کار عمل گرا» می نامند و میگویند ما مسلمانان پراگماتیک و محافظه کار هستیم، از همین رو در مسائل فکری مربوط به اسلام و مدرنیته با همان سنت و تجدد بیشتر تحت تأثیر روشنفکری مصر، ایران و تونس هستند، اما در عمل از غرب الگوبرداری می کنند، برای مثال در بعد توسعه به شدت تجربه گرا و پوزیتیویست هستند و به تجربه گرایی اعتقاد زیادی دارند و چندان وارد بحث های عمیق نظری نمی شوند (زهیری، ۱۳۹۲). کافی است معماری مساجد در ایران با معماری مساجد در ترکیه مقایسه شود، به نظر می آید برداشت خاصی که آنها از اسلام دارند در مسجد سازی آن ها بیشتر عملیاتی شده است. در ایران مسجد سازی شیعی نداریم. در هر ناحیه ای، بنای مساجد بنا به آن مناطق مختلف به پیدایش سبکهای مختلفی منجر شده است. ولی در ترکیه اینگونه نیست. یک سبک دارید که حتی در خارج از ترکیه وقتی این مسجد را می بینید به

هفتمین کنگره اسکناس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

راحتی متوجه می شوید که این برگرفته از همان الگوی عثمانی است (شفقنا، ۱۳۹۴). این در حالی است که معماری ایرانی رایج در ساخت مساجد کاملاً بومی و مبتنی به اصول هندسی معماری اسلامی هستند و به لحاظ زیبایی شناسی ارزش والایی دارند. درحالی که مساجد در ترکیه از دوران عثمانی تاکنون تقلیدی از معماری رومی بیش نبوده اند، اما همین بناها با وجود فقدان جاذبه های بصری برای هویت سازی و دگرسازی در برابر غرب مسیحی، حائز اهمیت فراوانی بوده است.

رجوع جامعه ی ترکیه به تاریخ و فرهنگ ملی و اسلامی، بیشتر پس از سرخوردگی آنها از اروپا شکل گرفت. تا سال ۲۰۰۲ سنتی داشتند که میگفتند: سعادت ترکیه فقط وقتی محقق می شود که تمدن مدرن که همان تمدن اروپایی است، یکپارچه شود. در بند دوم قانون اساسی ترکیه هم آمده است: ترکیه کشوری است لائیک و دموکراتیک و هدف آن پیوستن به اروپا و یکپارچه شدن با آن و برخورداری از مواهب مدنیت غرب است. این اصل تقریباً ایجابی بود و در مراسم تحلیف روسای جمهور و نخست وزیران ترکیه بر آن تأکید می شد. همچنین در این راستا اصلاحاتی صورت گرفت که مورد حمایت اتحادیه اروپا بوده و انتقال قدرت سیاسی به شهروندان منتخب را دنبال می کرد (Cizer, ۲۰۰۸:۳).

تحولات سیاسی که در عثمانی به وقوع پیوست و باعث شد که ترک ها به این وضعیت برسند، بسیار پیچیده بود. اگرچه ما در یک حوزه هایی شباهتهای زیادی باهم داریم (مثل اینکه هر دو امپراتوری بودیم و هر دو داعیه دار رهبری این منطقه بودیم) اما در عین حال تفاوت هایی هم وجود دارد. منهای بحث خلافت که خیلی تعیین کننده است (پل رو، ۱۳۵۲). ما لااقل از دویست سال قبل بعد از جنگهای ایران و روس، با وضعیت فعلیمان خو گرفتیم، یعنی محدوده فعلی ایران از آغاز عصر تجدد در ایران به همین حدود ثغور محدود شد، اما در ترکیه این وضعیت با فروپاشی خلافت همراه بود که خیلی متأخر است و در خلال سال های ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۳ (کمتر از صدسال پیش) رخ داده است.

الگوی توسعه وحشیانه در برابر توسعه متوازن

بعد از جنگ جهانی دوم کشورهایی که قبلاً مستعمره بودند و بعد از جنگ جهانی دوم استقلال پیدا می کنند، به نوعی درگیر بحث چرایی و چگونگی رهایی از عقب ماندگی شدند از همین رو به دنبال یافتن الگوی توسعه برآمدند. درست است که اروپا نیز در جنگ جهانی دوم ویران شد، ولی چون اولاً قبل از جنگ الگوی توسعه داشتند و ثانیاً ابرقدرت جدید، یعنی آمریکا، برای بازسازی اروپا و حفظ ارزشهای غربی در برابر کمونیسم در قالب طرح مارشال به دول اروپای غربی کمک کرد تا بار دیگر خود را بازسازی کنند، در نتیجه اروپا در اندک زمانی از ویرانه های جنگ سر برآورد، به گونه ای که آلمان غربی در فاصله ی ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۰ دوباره بزرگترین اقتصاد اروپا شد. چراکه هرچند ظاهرش ویران شده بود، اما مغزها و دانش و فرهنگ علمی و الگوی توسعه ی آن ها همچنان پابرجا بود و به سرعت پیشرفت کرد (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۹).

اما در کشورهای آمریکای لاتین و بسیاری از جوامع آسیایی که چنین الگو و بنیان هایی وجود نداشت، عطش و حسرت توسعه در حوالی سال ۱۹۵۰ منجر به طرح الگویی شد که به آن «الگوی توسعه ی وحشیانه» می گفتند! یعنی توسعه به هر شکل ممکن با هدف انباشت ثروت. طبیعی است که ثروت را ثروتمندان دارند، لذا عامه ی مردم تنها به عنوان سبد کاری و پیچ و مهره ی کارخانه ها در فرآیند توسعه به شمار می آمدند تا تولید افزایش یابد و سطح رشد اقتصادی بالا رود. ولی تفاوت توسعه با پیشرفت در همین نکته است که در توسعه باید امکانات به شکل افقی در همه ی سطوح جامعه گسترش پیدا کند. توسعه از کلمه ی «وسعت» گرفته شده و به معنای این است که بتواند امکانات در همه نقاط کشور به صورت متوازن توزیع شود (سن، ۱۳۸۱: ۵۶-۵۷).

نتیجه گیری؛ الگوی ترکیه بدیل الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ تضادها و تشابهات

بهترین کتفراش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

ترکیه، همواره نوعی رقابت تاریخی و تمدنی با ایران داشته است و گویا در زمان حال نیز سودای پیشی گرفتن از ایران را دارد. هرچند که به لحاظ مبنایی مقصد مشترکی با ترکیه نداریم، اما عرصه های رقابتی میان ما و ترکها جدی و گسترده اند، بر اساس یک دسته بندی سه عنصر واگرا در روابط ایران و ترکیه عبارتند از: نقش قدرت های جهانی و منطقه ای، نظام سکولار ترکیه و اقلیت های قومی (مرادیان، ۱۳۸۹) و لذا به نظر می رسد که بهتر باشد، وضع شناسی الگوی توسعه ی این کشور با نگاهی تطبیقی - قیاسی در نسبت با کشورمان ایران انجام شود تا از نقاط قوت آنها بهره مند و از نقاط ضعف آنها برحذر باشیم. بر اساس افق سند چشم انداز «ایران ۱۴۰۴»، ما می خواهیم در جهان اسلام به شکلی ایدئولوژیک، الهام بخش باشیم، درحالی که ترکها می خواهند جزء ده کشور اول اقتصادی جهان باشند و اصلاً با رویکردهای ایدئولوژیک مخالف اند. بنابراین از جنبه ی کلان، ما با ترکیه رقابتی نداریم و مقصدمان باهم متفاوت است ولی در شاخص های اقتصادی توسعه و حوزه عملیات و اجرا، کاملاً رقیب یکدیگر به شمار می آییم. با این تبصره که از لوازم قدرت برتر اقتصادی شدن، به وجود آمدن قدرت نرم برای آن کشور است که آن قدرت نرم، خواه ناخواه وضعیت الهام بخشی را ایجاد می کند، بنابراین به نظر این الگوها باید در کنار هم قرار گیرند تا وجوه امتیاز و اشتراکشان مشخص شود. نکته ی دوم این است که چه بسا چنین مقصدی در اسناد رسمی آنها نمود پیدا نکرده باشد، اما در حافظه ی جمعی و تاریخی شان وجود داشته باشد. برخلاف ما که اغلب در الگوی توسعه برنامه ریزی کردیم و متمرکز شدیم و گهگاه در توسعه متمایل به بازار آزاد شده ایم، ترکیه بیش از نیم قرن است که در نظر و عمل، الگوی توسعه ی لیبرالی را مطرح کرده و به پیش برده است. این موضوع در زمان تورگوت اوزال رئیس جمهور ترکیه به طور جدی در قالب بحث آزادسازی اقتصادی مطرح و پیگیری شد. از سال ۱۹۶۰ که نخستین کودتا در ترکیه رخ داد، نظام اقتصادی ترکیه به شکل برنامه ریزی شده اداره می شد. از سال ۱۹۶۰ تا امروز، نه برنامه ی اقتصادی شش ساله منطبق بر سند چشم انداز ۲۰۲۳ در ترکیه اجرا شده است که همگی برنامه های اقتصادی مبتنی بر نگرش لیبرالیستی و بازار آزاد بوده اند. از آنجا که بررسی قیاسی - تطبیقی توسعه میان ایران و ترکیه در کانون توجه ما قرار دارد، به چند نکته می توان اشاره کرد: یکی از ضعف های اساسی ما در سند چشم انداز، فقدان یا ضعف محرکهای اجتماعی ملموس است که مردم بتوانند اهداف الگوی پیشرفت را به انگیزه ی آنها محقق کنند و ما در این بخش مشکل داریم. مزیت ترکیه این است که این محرکهای فراگیر اجتماعی را فراهم یا تقویت کرده است.

ترکیه در یک دوره ی تاریخی نزدیک، اثر زیادی بر ایران می گذارد. مثلاً سفر تاریخی رضاشاه به ترکیه در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی (۱۹۳۳ میلادی) یکی از نقطه های تأثیرگذاری است. رضاشاه فقط یک بار به خارج رفت و آن هم به ترکیه و خیلی جالب است که او در آنجا تأکید می کند که همیشه باید نسبت ترکیه با ایران را جدی بگیریم و آنها هم در حوزه های مختلف ما را یک همسایه بسیار جدی می بینند. آتاترک استقبال کم نظیری از رضاشاه می کند و رضاشاه هم که به زبان ترکی کاملاً مسلط است با او به ترکی صحبت می کند. جرعه های اولیه تسریع فرآیند غربی شدن جامعه ایران بعد از سفر رضاشاه به ترکیه رخ می دهد. از آموزشگاه ها، مدارس، کارخانه ها، محیط های اجتماعی و فرهنگ عمومی ترکی دیدن کرد و احساس کرد، باید به آنچه که در ایران رخ میدهد سرعت بخشید. تا آن زمان فرایند تجدد در ایران بومی تر بود. مثلاً قانون مدنی که قبل از سفر رضاشاه به ترکیه نوشته شد، کاملاً برگرفته از فقه جعفری بود و کمتر کدهای حقوق غربی در آن به چشم میخورد. قانون مدنی هزار و چهارصد ماده ای مصوب دوران رضاشاه حتی بعد از جمهوری اسلامی ایران به مقدار بسیار کمی تغییر پیدا کرد، چرا؟ چون برگرفته از سنت فکری و بومی ایرانی است. ولی بعد از سفر رضاشاه به ترکیه، روند مدرنیزاسیون ایران ضرب آهنگی تند و غربی پیدا می کند که نمونه اش کشف حجاب بود که در ترکیه نیز به شکل اجباری پیاده شده بود.

به نظر می رسد که یکسان سازی فرهنگی بزرگترین آفت در وضعیت عملی الگوی پیشرفت ماست و در ترکیه بر خلاف ایران، زندگی همه ی مردم این کشور ملاک توسعه است و نه فقط زندگی شهری مردم آنکارا و استانبول. در ترکیه این اتفاق نیفتاده است و نیامده اند آنکارا و استانبول را پررنگ کنند و همه جای ترکیه با آنکارا و استانبول

بهترین کترانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

سنجیده شود. توگویی که فرهنگ روستا و شهرستان‌های ما، فراموش شدگان الگوی پیشرفت ما هستند. اشکال بزرگ دیگری که در مورد کشور خودمان داریم این است که ما در حقیقت دچار «نفرین منابع» شده ایم! چون وقتی که منابع طبیعی باشد، دیگر انگیزه‌ی تولید نداریم. در نفرین منابع، قوه‌ی کار و ابتکار تا حدودی سلب می‌شود، اینگونه است که ما نفت، این موهبت خدادادی را از زمین استخراج کرده، می‌فروشیم و پولش را در جامعه پخش می‌کنیم. چون برخوردار از وفور منابع طبیعی هستیم، به اشتباه در روزنامه‌ها و اخبار مختلف می‌گویند که ما کشور ثروتمندی هستیم و توجه نمی‌شود که ما کشور ثروتمندی نیستیم، بلکه کشوری هستیم که منابع خدادادی فراوان داریم!

به نظر می‌رسد که در کشور، راه‌هایی از بسیاری از مشکلات و معضلات، حکمفرمایی قانون باشد. روحیه‌ی تساهل‌آمیز ایرانی‌ها راه را بر اجرای مقتدرانه قانون که ضامن نظم و سلامت ملت است، بسته و جامعه را دچار نوعی قانون پریشی کرده است و بر پیدایش حفره‌های بی‌قانونی و ضد قانونی دامن زده و جامعه‌ی ایران را از موهبت نظم‌پذیری و انضباط اجتماعی که یکی از پایه‌های اصلی پیشرفت و توسعه (چه بومی و چه غربی) است، محروم نموده است.

جدول شماره ۱؛ تشابهات و تباینات الگوی ترکیه و ایران در یک نگاه

ایران	ترکیه
پابرجایی نسبی و عدم تجزیه	تجزیه عثمانی و فروپاشی
حضور جدی دین در اداره حکومت و تشکیل حکومت بر اساس شریعت	جداشدن دین از سیاست و پذیرش سکولاریسم در دولت
تقابل با غرب و تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی	حمایت غرب در توسعه با هدف الگوسازی
به دنبال مسیرهای جدید توسعه اسلامی	اخذ الگوهای غربی و پیاده‌سازی
استفاده از دانش بومی و توان داخلی	حضور مستشاران خارجی در روند توسعه
احتیاط و انفعال در جذب سرمایه خارجی	استقبال از سرمایه‌گذاری خارجی
عدم توجه به خصوصی‌سازی واقعی	خصوصی‌سازی همه‌جانبه
پیشرفت کمی دانشگاهی و تلاش برای اداره دانشگاه براساس مدلی جدید	روزآمدی در کیفیت آموزش دانشگاهی و استفاده از منابع غربی
عدم توجه به گردشگری در کنار تبلیغات غربی و ایران‌هراسی	توجه جدی به گردشگری
مقابله با روند جهانی شدن	آماده‌سازی زیرساخت‌ها در جهت جهانی شدن
عدم توفیق در افزایش بهره‌وری و خلق فضای مولد	توجه به بهره‌وری و کارآفرینی
عدم توفیق در مبارزه با فساد سازمان یافته	ایجاد زیرساخت‌های شفافیت مالی
توسعه کمی همراه با محدودیت‌های خودخواسته در سرعت ارتباطاتی	توسعه ارتباطاتی و اطلاعاتی با کمک غرب
ورشکستی نسبی اکثریت نظام بانکی	انعطاف سیستم مالی و نظام بانکی در مقابل شوک
پافشاری بر استخراج مدل بانکداری اسلامی	پیاده‌سازی الگوهای بانک جهانی

هفتمین کنگره اسامی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

حضور اسلام شریعت مدار	حضور اسلام طریقتی
-----------------------	-------------------

پیشنهادات:

در بُعد اقتصادی

- تمرکز زدایی پی‌درپی از دو طریق تفویض اختیار و برپایی دولت‌های تمام عیار منطقه‌ای (شامل مجریه و مقننه) و محلی (شهرداری‌ها) و تقریب نظام اداره کشور در سند چشم‌انداز به سمت نظام فدرالی تا نظام برنامه‌ریزی فعلی به مرور زمان کنار گذاشته شده و به مناطق (استان و شهرستان) و شهرداری‌ها محول شود، این مهم باعث می‌شود که در نظام تصمیم‌گیری تصمیمات کم‌اهمیت به مدیران رده پایین‌تر محول شود و فرصت لازم برای تصمیم‌گیری‌های مهم برای مدیران رده بالا افزوده شود و کیفیت تصمیمات نیز ارتقا یابد.
- تاسیس یک نهاد مستقل برای نظارت بر برنامه‌های توسعه
- نظام برنامه‌ریزی به گونه‌ای طراحی شود که سرشت برنامه‌ها در سطح ملی از حالت کمی زیاد و انعطاف‌ناپذیر به کیفی و راهبردی (استراتژیک) تغییر یابد
- تهیه برنامه ملی به گونه‌ای باشد که مسوولیت دولت از ابتدای کار دولت قلمداد شود و نیازی به تصویب آن در مجلس شورای اسلامی نباشد که قاعدتا باید ادوار برنامه‌های چندساله مصادف با تشکیل دولت در هر دوره باشد و هر دولت در بدو در اختیار گرفتن قوه مجریه دارای برنامه مستند و در معرض ارزیابی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مردم باشد
- جایگزینی هیأت‌های مدیره و رئیس با هیأت‌های اندیشه‌ورز در تمامی نهادها، سازمان‌ها و بالاخص شرکت‌های دولتی با اکثریتی متشکل از شخصیت‌های حقوقی علمی درجه یک از جمله: مدیران گروه‌های علمی دانشگاه‌های هر استان
- جایگزینی تمرکز قانونی و تسهیلاتی بر ابرصنایع با ظرفیت صنایع شرکت‌های کوچک و محلی و کارگاه‌های خانگی
- تدوین پروژه‌های متعدد تحقیق و توسعه برای صنایع مختلف به جهت افزایش قدرت رقابت‌پذیری بخش صادراتی
- تمرکز بر تولید تعداد محدودی کالا با کیفیت برتر برای معرفی و برندسازی جهانی به جای حضور کم اثر در تمامی عرصه‌ها
- افزایش کمیت و کیفیت حضور در نمایشگاه‌های عمومی و تخصصی بین‌المللی
- گسترش منطقی و غیراجباری تولید در استان‌های مختلف به فراخور تجربه هر منطقه در توان تولید محصول بومی
- تشکیل کارگروهی برای اجاره دائمی ظرفیت‌های تبلیغاتی در کشورهای هدف جهت تبلیغ برندهای ملی در عرصه جهانی
- بهبود امکانات حمل‌ونقل و لجستیک در خدمت تولید و توسعه مدون
- توسعه ابزارهای فاینانس بین‌المللی

در بُعد اجتماعی:

هفتمین کنگره اسکناس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

- ارتقا سطح سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف به ویژه در حوزه اعتماد مردم به مردم و اعتماد مردم به دولت و نهایتاً نظام.
- توزیع بهره مندی عادلانه و اصولی در کل کشور از منظر جنسیتی، منطقه ای، سنی، دینی و...
- پرهیز از تفسیرهای سلیقه ای در خصوص شاخص های بین المللی مدنیت و توسعه که تعریف مشخص و معینی دارند.
- تنظیم تعاملات بین المللی در جهت افزایش سطح اعتماد به نفس ملی
- ایجاد انگیزه و باورمندی در بین آحاد جهت مبارزه با فساد با هر شکل، سطح و نوع
- استفاده از افراد متخصص و کاردان در امور تخصصی جهت افزایش حس وجود شایسته سالاری
- تغییر روند فعالیت دانشگاه ها از مدرک گرایی به تولید علم و دانش
- همدلی و همگرایی در تمامی ارتباطات کلامی و رفتاری
- کاهش دیدگاه های افراطی در کشور به خصوص در بین خواص جامعه
- تغییر نگرش ملی نسبت به اهمیت بهبود شرایط رفاهی و آسایشی مردم جامعه به عنوان اولویت اول و آخر مسئولان
- افزایش چتر نفوذ پوشش های بیمه ای جهت ایجاد امنیت روانی و اجتماعی به معنای واقعی و حقیقی
- توجه به محیط زیست در تمامی بخش ها

منابع:

منابع فارسی:

- اسپنسر، ویلیام. (۱۳۴۲). سرزمین و مردم ترکیه. ترجمه علی اصغر بهرام بیگی. تهران: انتشارات فرانکلین.
- پل رو، ژان. (۱۳۵۲). ترکیه؛ جغرافیا، اقتصاد، تاریخ، تمدن فرهنگ. ترجمه خانباها بیانی. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پروند، شادان و سبحانی، زهرا. (۱۳۷۳). زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه. تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
- جوادی، عباس. (۲۰۱۶). ایران و آذربایجان در بستر تاریخ و زمان، انتشارات بین المللی H and S media.
- دهقانی، رضا. (۱۳۹۳). آرامنه در جنگ جهانی اول. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دونمز، نوری (۱۳۸۹). علویان ترکیه. تهران: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۱). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه: حسین راغفر، تهران، نشر سحاب.
- صفری، حمید. (۱۳۹۰). ترکیه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صادقی، حامد. (۱۳۷۶). جریانات اسلامی در ترکیه. تهران: انتشارات سوره حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- دهقانی، رضا. (۱۳۹۱). سیاست خارجی ترکیه در فرایند عثمانی گری و نوخلاف اسلامی، مطالعات جهان، دوره ۲، شماره ۲، ص ۲۵۷-۲۷۹
- خلج منفرد، ابوالحسن. (۱۳۹۵). اقتدارگرایی اردوغان و حزب عدالت و توسعه و پیامدهای آن در ترکیه، جستارهای سیاسی معاصر، سال هفتم، شماره ۴، ص ۶۷-۹۱

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

حسینی، مطهره و همکاران. (۱۳۹۲). نگاه به غرب در سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۳، ص ۷۳-۹۵

آتام تورگوت و مهدوی، محمدحسن. (۱۳۹۳). تحول دینی اجتماعی در ترکیه عصر مصطفی کمال آتاترک، مطالعات تاریخی جهان اسلام، سال ۲، شماره ۴، ص ۱۲۳-۱۴۵

مصلی نژاد، عباس و اکبری، سمانه. (۱۳۹۱). نقش دولت در توسعه اقتصادی ترکیه در سه دهه اخیر، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۴، شماره ۲، ص ۵۵-۷۸

علی حسینی، علی. (۱۳۹۶). نقش تحولات فکری رهبران حسب عدالت و توسعه در کنش های راهبردی ترکیه، تحلیل سازه انگارانه، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۳۱، ص ۳۱-۵۶

صاحب خلق، نصیر. (۱۳۹۱). گاپ پژوهی ای صهیونیستی، مجله موعود، سال ۱۶، شماره ۱۳۱، ص ۱۲-۱۸

ترکیه و آینده تماسلات اسلام گرایانه. (۱۳۸۸)، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۵۷

طریقت ها در ترکیه امروزی. (۱۳۹۰)، مجله پگاه حوزه، شماره ۳۰۰ (۹۰/۱/۲۷)

قلی پور، رحمت ا... و آقاجانی، رضا. (۱۳۹۳)، بررسی تجربه توسعه ترکیه با تاکید بر برنامه های توسعه و مقایسه آن با ایران، سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (اردیبهشت و خرداد ۹۳)

موثقی، سیداحمد. (۱۳۹۵). گونه شناسی جریان های فکری و جنبش های اسلامگرا، وبسایت راسخون، دسترسی در ۹۶/۸/۱۴ از آدرس:

yon.ir/٦REDj

حسینی، اسما. (۱۳۹۵). نیرومندترین و قوی ترین ارتش آسیا، بازده؛ مجله کسب و کار، دسترسی در ۹۶/۷/۲۰ از آدرس:

yon.ir/٤IHIP

نساج، حمید. (۱۳۹۶). مولوی و ابن سینا ایرانی نیستند، وبسایت تبیان دسترسی در ۹۶/۵/۱۷ از آدرس:

<https://article.tebyan.net/١٣١١٢٢/%D%A7%D%A8%D9%86-%D%A7%DB%8C%D9%86%D8%A7-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA->

احزاب سیاسی ترکیه، گروه ILSC، دسترسی در ۹۶/۶/۲۸ از آدرس:

<http://ilscgroup.com/project/%D%A7%D8%AD%D8%B2%D8%A7%D8%A8-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D8%AA%D8%B1%DA%A9%DB%8C%D9%87/>

وضعی، حسین. (۱۳۹۶). ارائه پیرامون فساد، ناشناخته ها، دسترسی در ۹۶/۹/۱۶ از آدرس:

<http://transparencyiran.ir/post/٦٠٨>

پورکیانی، سعید. (۱۳۹۴). اطلاعاتی مختصر راجع به ترکیه، دسترسی در ۹۶/۹/۵ از آدرس:

yon.ir/nfb١N

غیائی، رضا. (۱۳۹۳). اعلام طرح جورج مارشال، دسترسی در ۹۶/۷/۱۲ از آدرس:

yon.ir/QF٣yk

نواختی مقدم، امین. (۱۳۹۶). الگوهای توسعه اسلام مدرن در ترکیه از نگاه فتح ا... گولن، خبرگزاری فارس، دسترسی در ۹۶/۹/۱۵ از آدرس:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=١٣٩٦٠٣٢٣٠٠١٤٢٤>

هفتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

فاخری، حسن. (۱۳۹۵). جمعیت ترکیه با بیش از یک میلیون افزایش در مرز ۸۰ میلیون قرار گرفت، خبرگزاری ایرنا، دسترسی در ۹۶/۷/۲۱ از آدرس:

<http://www.irna.ir/fa/News/۸۲۴۰۹۷۵۹>

خدایی، زهرا (۱۳۹۲). بلندپروازی های اردوغان تمامی ندارد، خبرگزاری خبرآنلاین، دسترسی در ۹۶/۸/۲۸ از آدرس:

<https://goo.gl/L۸a۵۲Q>

فیروزآبادی، محمدعلی. (۱۳۹۴). برنامه مسجدسازی ترکیه بر اساس جاه طلبی های اردوغان، وبسایت شفقتنا، دسترسی در ۹۶/۸/۶ از آدرس:

<https://goo.gl/۸۰G۲nY>

آمار تجارت خارجی ترکیه. (۲۰۱۷)، خبرگزاری آناتولی، دسترسی در ۹۶/۸/۱۴ از آدرس:

yon.ir/۲۸CKn

جوشقانی، مینا. (۱۳۹۴). بهره های کایسری، مجله تجارت، شماره ۱۵۷، دسترسی در ۹۶/۷/۲۷ از آدرس:

yon.ir/MZqYC

مرادی، زهرا. (۱۳۸۶). تجربه خصوصی سازی در ترکیه، دسترسی در ۹۶/۷/۱۹ از آدرس:

<http://modirejam.blogfa.com/post-۱۰۱.aspx>

اتابکی، تورج. (۱۳۸۶). گذر از کمالیسم سنتی، مجله شهروند، شماره ۹ دسترسی از آدرس:

<http://www.ensani.ir/fa/۸۱۸۶/magazine.aspx>

شهریاری، پروانه. (۱۳۹۱). دلایل و زمینه های رشد اقتصادی ترکیه در دوران اخیر، دسترسی در ۹۶/۶/۲۵ از آدرس:

<http://parvanehshahryari.blogfa.com/post/۱>

صفری، حمید. (۱۳۹۳). ساختار حکومت ترکیه و نقش احزاب در آن، وبسایت نوگرا، دسترسی در ۹۶/۹/۲ از آدرس:

yon.ir/kH۶DW

تأملی بر نسبت پیشرفت با توسعه و عدالت. (۱۳۸۸)، وبسایت Khamenei.ir، دسترسی در ۹۶/۷/۱۸ از آدرس:

<http://farsi.khamenei.ir/others-article?id=۹۵۷۶>

تبصره جدید حزب حاکم ترکیه بر ممنوعیت فروش مشروبات الکلی. (۱۳۹۲)، خبرگزاری تسنیم، دسترسی در ۹۶/۸/۱۷ از آدرس:

yon.ir/Md۲Q۳

خجسته، رحیم. (۱۳۹۵). ترکیه در رویای تبدیل شدن به هاب انرژی شرق و غرب، خبرگزاری صدا و سیما، دسترسی در ۹۶/۷/۲۲ از آدرس:

yon.ir/Mbf۶g

جنبش نرم افزاری از نگاه مقام معظم رهبری. (۱۳۸۹). پایگاه اطلاع رسانی حوزه، دسترسی در ۹۶/۸/۱۴ از آدرس:

<https://goo.gl/t۱oGKa>

شکارچی، فاطمه. (۱۳۹۱). ما در ترکیه در اپوزیسیون هستیم اما در ایران نه، خبرگزاری فارس، دسترسی در ۹۶/۷/۱۶ از آدرس:

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=۱۳۹۱۰۶۲۶۰۰۷۹۴>

شرط عدم حجاب برای پرسنل هوایی در ترکیه حذف شد. (۱۳۸۹)، خبرگزاری جوان آنلاین، دسترسی در ۹۶/۷/۱۳ از آدرس:

<http://www.javanonline.ir/۴۲۸۸۰۴>

سیف الدینی، سالار. (۱۳۹۲). عثمانی گری و نوعثمانی گری در دو روایت، وبسایت آذری ها، دسترسی در ۹۶/۹/۲۷ از آدرس:

yon.ir/IXVfS

هفتمین کنگره اسکناس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

نیروهای مسلح ترکیه، ویکی پدیا، دسترسی در ۹۶/۶/۲۷ از آدرس:

https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%DB%8C%D8%B1%D9%88%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D9%85%D8%B3%D9%84%D8%AD_%D8%AA%D8%B1%DA%A9%DB%8C%D9%87

گرگ های خاکستری، موسسه ترجمه و تحقیق هور، دسترسی در ۹۶/۸/۱۴ از آدرس:

yon.ir/AwkWM

جنتی، علی (۱۳۹۰). نگاهی به تاریخ و اندیشه حرکت اخوان المسلمین، دسترسی در ۹۶/۸/۱۷ از آدرس:

yon.ir/ySQFu

تغییر نظام سیاسی یا ائتلاف با سایر احزاب در ترکیه. (۱۳۹۴)، خبرگزاری فارس، دسترسی در ۹۶/۹/۲۹ از آدرس:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۰۳۱۶۰۰۷۱۸>

روابط تیره با ترکیه مانع از دیپلماسی انرژی در ترکیه. (۱۳۹۶)، پایگاه نفت، انرژی و اقتصاد، دسترسی در ۹۶/۷/۱۵ از آدرس:

<http://neconews.com/vdcfv1dj.w6dvyagiiw.html>

عزیزی، محمود (۱۳۹۳). نظر رهبر انقلاب اسلامی درباره انتقاد چیست، خبرگزاری خبرآنلاین، دسترسی در ۹۶/۷/۱۳ از آدرس:

yon.ir/zddzc

یاراحمدی خراسانی، مهدی. (۱۳۹۴). پایگاه جامع مدیریت، دسترسی در ۹۶/۹/۷ از آدرس:

<http://www.modiryar.com>

کرامت، وریا. (۱۳۹۲). تورگوت اوزال و مساله رکود در ترکیه، دسترسی در ۹۶/۷/۲۲ از آدرس:

<http://azrurmia-turkiye.blogfa.com/post/۵۶۴۵>

مصطفی کمال پاشا که بود. (۱۳۹۶). وبسایت برترین ها، دسترسی در ۹۶/۸/۱۴ از آدرس:

yon.ir/iwFId

رمضانی بونش، علی. (۱۳۸۹). ترکیه و نگاه به آفریقا، مرکز بین المللی مطالعات صلح، دسترسی در ۹۶/۱۰/۲ از آدرس:

yon.ir/Fi۲zx

کریمی، میلاد. (۱۳۹۵). کودتای پنجم ترکیه و حواشی آن، دسترسی در ۹۶/۹/۱۱ از آدرس:

<http://problematicaa.com/turkey-coup/>

نگاهی به ساختار بودجه و اهداف اقتصاد کلان ترکیه. (۱۳۹۰)، بنیاد مطالعات قفقاز، دسترسی در ۹۶/۸/۳ از آدرس:

<http://www.ccsi.ir/getj.heafuqextsfzu.html>

دانشگر، سیدمحمدرضا. (۱۳۹۳). صنعت فولاد ترکیه چگونه شتاب گرفت، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۱۸۸ (۹۳/۲/۱۱) شماره خبر: ۷۳۹۳۹۳

منابع انگلیسی:

Anne O. Krueger. (۱۹۹۵). Partial Adjustment ad Growth in the ۱۹۸۰s in Turkey, University of Chicago Press, p. ۳۴۳ – ۳۶۸.

Belge, M. (۲۰۰۴) 'Between Turkey and Europe: Why Friendship Is Welcome', Open Democracy. Available online at: www.opendemocracy.net/debates/article۳-۱۲۳-۲۲۶۸.jsp (accessed on ۱۷ December ۲۰۰۴).

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

Graham E. Fuller. (۲۰۰۴). Turkey's Strategic Model: Myth and Realities, the Washington Quarterly.

Marcie J. Patton. (۲۰۰۶). The Economic Policies of Turkey's AKP Government: Rabbits From a Hat ?, Middle East Journal, Volume. ۶۰, No. ۳, p. ۵۱۳ – ۵۳۶.

Keyman, E.FUAT. (۲۰۰۷) Modernity, secularism and Islam: the case of Turkey. Theory, culture and society.

Kassem, Taha. (۲۰۱۳) The Rise of Political Islam Can the Turkish Model Be Applied Successfully in Egypt, Topics in Middle Eastern African Economies, Vol ۱۰, No ۱.

Taspinar, Omar. (۲۰۰۸) Turkeys Middle East Policies, Between Neo-ottomanism and kemalism, Carnegie.

Svet, Oleg (۲۰۰۶). Turkeys Zero Problem Foreign Policy: An Untenable Balancing Act, New Initiative For Middle-East Peace Journal, Vol ۲.

Umit Cizre (۲۰۰۸), Secular and Islamic Politics in Turkey, New York: Routledge